



واکاوی مفاد سبک زندگی در اسناد سیاستی و برنامه‌های توسعه (راهکارهایی جهت پیاده‌سازی مصوبات)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مسلسل: ۱۹۶۷۱

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
واکاوی مفاد سبک زندگی در اسناد سیاستی و برنامه‌های توسعه
(راهکارهایی جهت پیاده‌سازی مصوبات)

نوع گزارش: طرح و لایحه ، نظارتی ، راهبردی

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق)

تهیه و تدوین:
حامد سهرابی

مدیر مطالعه:
رضا مستمع

اظهار نظرکننده:
حسین محمدی احمدآبادی، امین پژمان (دفتر مطالعات حقوقی)

ناظر علمی:
موسی بیات

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۲/۸/۱

واژه‌های کلیدی:
۱. سبک زندگی
۲. برنامه‌های توسعه
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی
۴. تمدن اسلامی



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری.....	۹
۲-۱. سبک زندگی؛ بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی.....	۱۰
۲-۲. کیفیت سبک زندگی: استقلال فرهنگی و مقابله با فرهنگ غرب.....	۱۲
۲-۳. ضرورت آسیب‌شناسی وضعیت سبک زندگی.....	۱۲
۲-۴. رسالت و وظایف مردم و حاکمیت در موضوع سبک زندگی.....	۱۲
۲-۵. جمع‌بندی نظرگاه رهبری در خصوص سبک زندگی.....	۱۳
۳. جایگاه موضوع سبک زندگی در برنامه‌های توسعه کشور.....	۱۴
۳-۱. برنامه اول توسعه.....	۱۵
۳-۲. برنامه دوم توسعه.....	۱۶
۳-۳. برنامه سوم توسعه.....	۱۶
۳-۴. برنامه چهارم توسعه.....	۱۷
۳-۵. برنامه پنجم توسعه.....	۱۷
۳-۶. برنامه ششم توسعه.....	۱۸
۳-۷. برنامه هفتم توسعه.....	۱۹
۳-۸. جمع‌بندی موضوع سبک زندگی در برنامه‌های توسعه.....	۲۰
۴. جایگاه موضوع سبک زندگی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۲۱
۵. جمع‌بندی.....	۲۶
۶. پیشنهاد.....	۲۷
۶-۱. احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به مثابه قرارگاه سبک زندگی.....	۲۷
۶-۲. تقویت ضمانت اجرا از طریق درک جایگاه و ماهیت سیاستی شورا و مصوبات آن.....	۲۷
۶-۳. الزام دستگاه‌ها در ارجاع به مفاد سند جامع در برنامه‌ریزی‌ها.....	۲۸
منابع و مآخذ.....	۲۸

فهرست جداول

جدول ۱. برخی محورهای اصلی دیدگاه مقام معظم رهبری به سبک زندگی.....	۱۰
شکل ۱. زنجیره تمدن‌سازی.....	۱۰
شکل ۲. تمایز سبک زندگی اسلامی و غربی.....	۱۱
جدول ۲. اهم محورهای مربوط به موضوع سبک زندگی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۲۱
جدول ۳. عرصه‌های سبک زندگی.....	۲۵



واکاوی مفاد سبک زندگی در اسناد سیاستی و برنامه‌های توسعه (راهکارهایی جهت پیاده‌سازی مصوبات)

چکیده



موضوع سبک زندگی، در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، نقطه اصلی و حقیقی مسیر تمدن اسلامی و پایه استقلال فرهنگی در جامعه است که باید توسط دستگاه‌های حاکمیتی و مردم اصلاح شود. بررسی برنامه‌های توسعه حاکی از آن است که علی‌رغم ارتباط غیرمستقیم برخی مواد به موضوع سبک زندگی، اما به‌طور جدی بر آن مؤثر بوده است. سیاستگذاران، در راستای ارتقای سبک زندگی مردم جامعه، مصوبات متعددی را تدوین کرده‌اند؛ اما کمتر به تأثیر مواد مصوب مربوط به بخش‌های دیگر از جمله بخش اقتصادی و یا اجتماعی بر سبک زندگی اندیشیده‌اند. همچنین موضوع سبک زندگی در مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ به‌صورت کلی آمده و جهت‌گیری مشخص‌تری از آن در بین اسناد کمتر مشاهده می‌شود. تنها سندی که بیشترین ارتباط را به این موضوع دارد مصوبه «مبانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی» است. این سند، در حوزه سبک زندگی با مشخص کردن ساحات سبک زندگی و طراحی جدول تقسیم کار ملی یک گام به جلو پیش رفته، اما لازم است تمام اسنادی که به‌نوعی با یکی از ساحات سبک زندگی ارتباط دارند به سندی راهنما (هادی) تبدیل شوند؛ تا شورای عالی بتواند نقش قرارگاهی خود را در حوزه سبک زندگی ایفا کند.

بیان / شرح مسئله

مفهوم سبک زندگی نمایانگر نگاه فرد به زندگی، جهان و ارزش‌های مورد قبول او و نماد هویت افراد یک جامعه است که تمامی جنبه‌های زندگی آنان را در بر می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب با بیان موضوع سبک زندگی از سال ۱۳۹۱، ادبیات جدیدی را بر حوزه سیاستگذاری فرهنگ افزودند. ایشان این موضوع را، به‌عنوان بخش حقیقی و اصلی مسیر پنج مرحله‌ای، به‌سوی تمدن اسلامی مطرح فرمودند و بیان داشتند که کانون این مفهوم، استقلال فرهنگی و مقابله با سبک زندگی غربی است که با وجود مسئولیت دستگاه‌های مختلف حاکمیتی، بخشی از مسئولیت، متوجه خود مردم است.

بعد از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص سبک زندگی، با وجود سیاست‌ها و قوانینی که به‌طور ضمنی به مفهوم سبک زندگی اشاره داشتند، ادبیات تازه‌ای با اشاره مستقیم به لفظ «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» وارد اسناد سیاستی جمهوری اسلامی از سیاست‌های کلی ابلاغی گرفته تا برنامه‌های توسعه و مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی شد، به‌نحوی که لازم بود در این حوزه، برنامه‌ریزی دقیق و عزمی جدی صورت بگیرد تا رفتار آحاد مردم جامعه بر اساس شاخص‌های ایرانی-اسلامی شکل بگیرد؛ اما با گذشت بیش از چهار سال از قانونگذاری در حوزه اخلاق و رفتار عمومی و بیش از ۱۰ سال تقنین در حوزه سبک زندگی، علی‌رغم تمام اقدامات صورت گرفته، تأثیر و تحول جدی مشاهده نمی‌شود و مردم جامعه هنوز در برخی از شاخص‌های مربوط به سبک زندگی دچار ضعف و آسیب هستند. از این‌رو لازم است مسیر تقنین طی شده در حوزه سبک زندگی را مطابق با منظومه فکری رهبر معظم انقلاب ارزیابی کرد تا ضمن اصلاح رویه‌های تقنین در این حوزه، به‌تدریج ادبیات سیاستی با هدف ایجاد رویکردی کلان‌نگر به همه حوزه‌ها از منظر سبک زندگی شکل بگیرد.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

موضوع سبک زندگی، به‌عنوان مفهومی کلی و به‌منظور جهت‌گیری مطلوب برای غالب فعالیت‌های حوزه فرهنگ، بدون آنکه عملیاتی‌تر شود و مسئله‌محور به موضوعات بپردازد، استفاده شد، در نتیجه بین مفاهیم کلی و مطلوب مذکور در اسناد و سیاست‌ها و آثار اقدامات صورت گرفته توسط سایر حوزه‌ها، تعارض جدی مشاهده می‌شود. همچنین می‌توان گفت در برنامه‌های توسعه، تبعات سیاست‌های سایر بخش‌های برنامه‌های توسعه، نه تنها در راستای اهداف اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ابلاغی در حوزه سبک زندگی نیست، بلکه بعضاً در تناقض جدی با آن قرار دارد. به‌بیان دیگر، سیاستگذاران، در راستای ارتقای سبک زندگی مردم جامعه، موارد متعددی را بیان کرده‌اند؛ اما کمتر به تأثیر مواد مصوب مربوط به سیاست‌های بخش‌های دیگر از جمله بخش اقتصادی و اجتماعی بر سبک زندگی اندیشیده‌اند. برای مثال توجه به «جلوگیری از درآمدهای کاذب و غیرقانونی و بادآورده یا ناشی از امتیازات نابجا» و «جلوگیری از ریخت‌وپاش، اسراف و تبذیر در بودجه‌های عمومی و دستگاه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، بانک‌ها و نهادهای انقلابی» در برنامه‌های توسعه، نشان‌دهنده حساس شدن سیاستگذار به پدیده‌هایی مانند رانت و فساد است. این در حالی است که سیاستگذار به تبعات واگذاری امور دولتی به بخش خصوصی نحیف و کم‌توان، کم‌توجه بوده و وجود عبارت مقابله با تهاجم فرهنگی در برنامه‌های توسعه، نشانگر اهمیت دخالت‌های بیگانه از منظر سیاستگذار بوده که به‌نظر می‌رسد توجهی به ارتباط این مسئله با مصرف‌گرایی نشده است. زیرا تهاجم فرهنگی در بستر سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی در نتیجه اجرای نادقیق سیاست‌های اقتصادی، مجال بروز یافت.

مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز؛ غالباً به‌صورت کلی به موضوع سبک زندگی پرداخته و صرفاً به مواردی همچون ترویج، ارتقا و اعتلای فرهنگ عمومی بر محور سبک زندگی ایرانی-اسلامی اشاره شده و جهت‌گیری مشخص‌تری از آن در بین اسناد مشاهده نمی‌شود.

پیشنهاد راهکار تقنینی، سیاستی یا نظارتی

با توجه به تجربه و مسیری که در حوزه سیاستگذاری، تقنین و اجرا در عمر بیش از چهار سال انقلاب اسلامی طی شده، موارد زیر به‌منظور اصلاح تدریجی در حوزه سیاستگذاری سبک زندگی پیشنهاد می‌شود:

الف) احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌مثابه قرارگاه سبک زندگی

فارغ از تدوین تمام اسناد و مصوبات، مهم‌ترین تغییری که باید صورت بگیرد، احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌مثابه یک قرارگاه در حوزه مسائل فرهنگ از جمله سبک زندگی است. احیای جایگاه این شورا با محوریت موضوع سبک زندگی پیوند عمیقی با اولویت‌های



فرهنگی مطرح شده توسط مقام معظم رهبری دارد. احیای این جایگاه به معنای ایستادن شورا در نقطه درست سیاستگذاری در نظام حقوقی کشور است. زیرا در این صورت می‌تواند رسالت قرارگاهی را عهده‌داری کند، سیاسی باشد و تصمیم بگیرد. جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی درست در جایگاه تدوین سیاست‌های راهنما (هادی) است. سیاست‌های مصوب شوراهای عالی از جنس سیاست‌های راهنما (هادی) است که به موجب قانون اساسی یا با حکم ولی فقیه، تحت همین عنوان تشکیل شده یا خواهند شد و در چارچوب شرع، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام و در محدوده صلاحیت‌های مقرر شده در قانون اساسی یا تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری است. سیاست‌های هادی در تقنین و اجرا برای همه نهادها لازم‌الاتباع است. این جایگاه، نه تنها مداخله در ساختار و تشکیلات سایر قوا و دستگاه‌ها نیست؛ بلکه جهت‌گیری سیاست‌های کلی، همچنین مراحل تحقق آن را برای قوه مقننه و دستگاه‌های قوه مجریه با زبان راهبردهای سیاستی بیان می‌کند.

ب) تقویت ضمانت اجرا از طریق درک جایگاه و ماهیت سیاستی شورا و مصوبات آن

به منظور تقویت ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، با توجه به حضور رؤسای قوا در آن شورا، لازم است ماهیت سیاستی آن به درستی درک و تمایز آن با قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی شناخته شود. زیرا ضمانت اجرای مصوبات سیاستی و قوانین، متفاوت از هم هستند و بیش از هر اقدامی، نیاز است تا مذاکرات سیاسی، پیگیری و هماهنگی بین سران قوا صورت بگیرد. همچنین حضور رئیس قوه مقننه نیز باید تمهیدات نظارتی و قانونی مصوبات شورا را از طریق سایر سازوکارهای سیاسی مانند سؤال و استیضاح فراهم آورد. شورای عالی با محوریت رئیس جمهور، باید قرارگاهی در بین سران قوا به منظور پیشبرد اهداف راهبردی مصوب باشد. به این منظور رئیس جمهور در پیگیری تحقق تقسیم کار ملی دستگاه‌های مسئول و همکار اقدام کند و همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی تمهیدات قانونی متناسب با سیاست‌های اتخاذ شده را تدارک ببیند و از ظرفیت نظارتی قوه مقننه به منظور تحقق سیاست‌های مصوب شورای عالی استفاده نماید.

۱. مقدمه

مفهوم سبک زندگی^۱ در زمره مفاهیم نوینی است که برای بیان پاره‌ای از واقعیت‌های فرهنگی از آن استفاده می‌شود. این عبارت ابتدا توسط آلفرد ادلر در سال ۱۹۲۹ میلادی به کار برده شد. سبک زندگی نمایانگر نگاه فرد به زندگی، جهان و ارزش‌های مورد قبول او و نماد هویت افراد یک جامعه است که تمامی جنبه‌های زندگی آنان را در بر می‌گیرد. این مفهوم از یک سو طیف وسیعی از رفتارهای فردی از جمله تنظیم زمان، نسبت کار و فراغت، شیوه پوشش، تنوع غذایی، نوع خودرو، سبک معماری منزل، میزان و تنوع مصرف انواع سرگرمی را شامل شده و از سوی دیگر، رفتارهای اجتماعی همچون آداب و رسوم، شیوه برخورد و سخن گفتن، شیوه برپایی مراسم و جشن‌ها و بسیاری از رفتارهای دیگر را پوشش می‌دهد.

با مرور مفهوم سبک زندگی در سنت جوامع غربی، در پژوهش‌های انجام شده پیرامون آن نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها غالباً بر مدار مصرف، سازمان یافته‌اند و سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا تعریف کرده و الگوی مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند؛ اما حقیقت آن است که تحلیل سبک زندگی، به صرف بررسی الگوهای مصرف مادی محدود نشده و عناصری بیش از مصرف کردن را در زندگی در بر می‌گیرد؛ از چگونگی گذران وقت گرفته تا شکل تفریحات، نحوه پوشش، شیوه صحبت کردن و یا حتی ساخت هویت و کسب اعتبار در صفحات مجازی را شامل می‌شود. به این معنا، سبک زندگی را می‌توان مفهومی پست‌مدرن (پسانوگرا) دانست که مفاهیمی چون طبقه یا هویت در قشر بندی‌های اجتماعی سنتی، را به حاشیه برده است [۱]. بررسی موضوع سبک زندگی در شکل بومی آن مستلزم توجه به خاستگاه شکل‌گیری و رشد اولیه آن بوده که در بستر و فضای مدرنیته غربی و با در نظر گرفتن مبانی و معیارهای تمدن غربی، لیبرال دموکراسی (آزادی خواهی مردم سالار)، فرهنگ مصرف‌گرایی و نیز، توجه به جلوه بیرونی و نمود ظاهری، تعریف می‌شود. شایان ذکر است که ورود این مفهوم به فضای فرهنگ دینی، با وجود معیار و ملاک‌های ادیان الهی، در تعارض با فرهنگ غربی قرار دارد و از این رو باید تعریف مفاهیم پیرامون این موضوع نیز با تکیه بر ارزش‌های الهی انجام پذیرد. از منظری دیگر، واژه «سبک زندگی» مفهومی کلی است که انواع و اقسامی را همچون سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی و مانند اینها را در بر گرفته و علوم مختلف از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اخلاق هر یک برداشتی مجزا از آن ارائه کرده‌اند. در مجموع، آنچه

1. life style

از مفهوم سبک زندگی معمولاً در نوشتار، گفتار، رسانه و به‌ویژه در فضای مجازی به تصویر کشیده می‌شود، بیشتر ناظر به همان جلوه‌های بیرونی و خارجی حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و مفاهیمی از این قبیل هستند؛ حال آنکه در نگاه اندیشمندان علوم انسانی، این مفهوم اساساً به‌منظور توصیف ویژگی نحوه زندگی انسان‌ها به کار گرفته شده و ردپای چنین برداشتی را در تعاریف ارائه شده توسط آنها می‌توان یافت، به‌نحوی که سبک زندگی را طیفی رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست، تعریف کرده‌اند [۲].

نخستین بار ویلیام لازر در سال ۱۹۶۳ میلادی، مفهوم سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف کرد. شیوه‌ای که مصرف‌کننده به‌وسیله آن خرید می‌کند و سپس آن را به مصرف می‌رساند، نمایان‌گر سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است [۳]، اما در دهه‌های بعد، توجه به ابعاد فرهنگی و معنوی زندگی انسان موجب شد که اصطلاح سبک زندگی در ابعاد وسیع‌تری مورد استفاده قرار گیرد. در واقع با گذشت زمان، به‌جای تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه‌های عینی زندگی انسان، جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان (مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و گرایش‌ها) نیز مورد توجه قرار گرفت [۴].

سبک زندگی به‌سه‌مقوله فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قابل تفکیک است. در این بین، سبک زندگی اجتماعی به تولید و مصرف روابط اجتماعی و سبک زندگی اقتصادی شامل تولید و مصرف مادی است. ضمن اینکه سبک زندگی فرهنگی، الگوی کنش‌های روزمره معطوف به تولید و مصرف محتوای نمادین است [۵]. به‌طور کلی، چرخش فرهنگی در جامعه معاصر، توجه ویژه به ماهیت فرهنگ و نقش آن در زندگی روزمره را در پی داشته است. تا پیش از این، استدلال جامعه‌شناسان این بود که بیشتر وقت انسان، صرف کار و فعالیت‌های تولیدی می‌شود و از این رو پژوهش‌های خود را به تحلیل روابط تولید معطوف کرده بودند؛ اما در دوران کنونی، تغییرات حوزه اشتغال و فراغت به‌گونه‌ای رقم خورده است که دست‌کم در حوزه مادی، همه مصرف‌کننده هستند، اما لزوماً تولیدکننده نیستند. بر این اساس، تحلیل مصرف در کنار تولید، موضوعیت و اهمیت ویژه‌ای یافته است [۶].

حال به‌منظور پیگیری نوع نگاه جامعه اسلامی به‌مقوله سبک زندگی که لزوماً مبتنی بر مصرف‌گرایی نبوده و مقرر دارد رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی بومی خود را تبیین کند، باید این موضوع را در بیانات رهبر معظم انقلاب، همچنین اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی جستجو و سپس ملاحظه کرد در برنامه‌های توسعه، به‌عنوان اصلی‌ترین سند برنامه برای دستگاه‌های فرهنگی و همچنین اسناد و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان جایگاهی که مسئولیت قرارگاهی را باید برای حوزه فرهنگ ایفا کند، چگونه موضوع سبک زندگی نمود پیدا کرده است و براساس آن ضمن آسیب‌شناسی این روند، پیشنهادهایی ارائه داد.

۲. سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری

موضوع سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری صراحتاً از سال ۱۳۹۱ در دیدار جوانان استان خراسان شمالی مطرح شد و اذهان بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان اجتماعی و فرهنگی را به‌خود جلب کرد. ایشان ذیل موضوع پیشرفت به‌عنوان هدف اصلی جامعه اسلامی فرمودند که پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک‌بعدی یا دو‌بعدی در فرهنگ غربی، متفاوت است و چند بُعد دارد که یکی از ابعاد آن عبارت است از: شیوه زیستن که بُعد مهمی از منظر معنوی نیز هست. به این معنا که برای حصول رستگاری، فلاح و نجات باید به سبک زندگی اهمیت داده شود؛ حتی اگر معنویت و رستگاری معنوی و اعتقادی هم موضوعیت نداشته باشد، برای زندگی راحت، زندگی بر خوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز هم پرداختن به سبک زندگی اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین مسئله، مسئله اساسی و مهمی است و این موضوع سرآغاز و مصداق عینی یک بحث کلان با عنوان پیشرفت همه‌جانبه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است [۷].

از نظر مقام معظم رهبری، وظیفه دولت جمهوری اسلامی، این است که برای همه تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌ها، آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی را پیش‌روی خود داشته باشد و این آرمان، «ایجاد تمدن اسلامی» است. منظور از تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که از لحاظ معنوی و مادی می‌تواند فضای رشد را فراهم نماید و رسیدن به غایات مطلوبی که خدای متعال برای انسان‌ها در نظر گرفته را تسهیل کند [۸]. ایشان در دیدار جمعی از دانشجویان در سال ۱۳۹۷، برای دستیابی به آرمان ایجاد تمدن اسلامی، مسیری پنج مرحله‌ای را تبیین نمودند. مقدمه این مسیر ایجاد انقلاب به‌عنوان شروع تحولی عظیم بود؛ تغییری که در واقع انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت صورت گرفت. مرحله بعد، ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو بود که با تشکیل جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی اسلامی محقق شد و در مرحله بعد لازم بود این نظام شکل گرفته، ارزش‌ها را محقق کند، لذا می‌بایست یک دستگاه مدیریتی مستقر شود؛ بنابراین مرحله بعد از نظام انقلابی



راه ایجاد دولتی انقلابی بیان نمودند. دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بُن دندان باور کرده و دنبال انقلاب باشد. سپس بیان داشتند که بعد از اینکه دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت باید به وسیله اجرائیات درست، یعنی تصویب قانون درست و اجرای درست آن، آرمان‌ها و ارزش‌های مطرح شده در مراحل قبل را در جامعه محقق نمود؛ که در این صورت جامعه انقلابی شکل می‌گیرد و چهارمین مرحله است. بعد از این مرحله، زمینه برای ایجاد تمدن اسلامی فراهم شده و می‌توان از آن به عنوان یک آرمان محقق شده، سخن به میان آورد. در این مسیر، یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم. مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی و بعد، تشکیل کشور اسلامی است، که در نهایت به تشکیل تمدن اسلامی ختم می‌شود. این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است [۹]. همچنین ایشان در تبیین موقعیت کنونی بیان داشتند که امروز نظام اسلامی به وجود آمده و ما در مرحله دولت‌سازی هستیم تا در امتداد این مرحله، جامعه‌ای اسلامی شکل گیرد و به تمدن نوین اسلامی ختم گردد.

شکل ۱: زنجیره تمدن‌سازی



مأخذ: یافته‌های تحقیق

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، سبک زندگی به عنوان عنصر اصلی جامعه‌سازی دارای آثار، ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

۱-۲. سبک زندگی؛ بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی

رهبر معظم انقلاب در تبیین تمدن نوین اسلامی، اجزای آن را نیز مشخص می‌نمایند. ایشان تمدن را شامل دو بخش، یک بخش ایزاری و یک بخش متنی، اصلی و اساسی معرفی می‌کنند. بخش ایزاری عبارت است از: پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد، مثل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ و بخش حقیقی، چیزهایی هستند که متن زندگی را شکل می‌دهند که همان سبک زندگی است که بخش حقیقی و اصلی تمدن می‌باشد؛ در واقع سبک زندگی، نمود عینی تمدن اسلامی به عنوان آرمان نظام جمهوری اسلامی است. موضوع خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار در محل کار، دانشگاه، مدرسه و یا سایر محیط‌های سیاسی، ورزشی و رسانه‌ای، رفتار با پدر و مادر، همسر و فرزند، رفتار با رئیس و مرئوس، رفتار با پلیس، رفتار با مأمور دولت، سفر، نظافت و طهارت، رفتار با دوست، رفتار با دشمن، رفتار با بیگانه؛ همه این موارد بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان‌ها را شکل می‌دهد [۷].

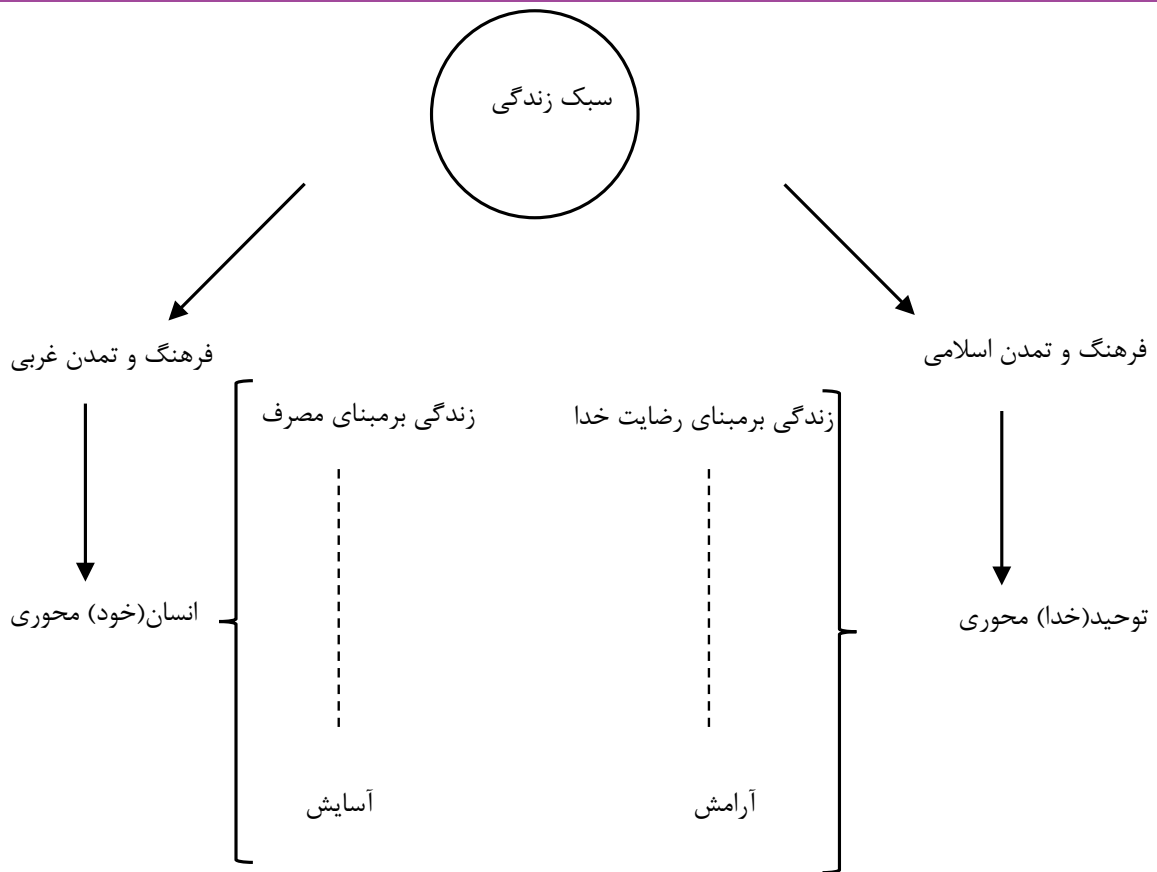
جدول ۱. برخی محورهای اصلی دیدگاه مقام معظم رهبری به سبک زندگی

محورهای اصلی دیدگاه مقام معظم رهبری به سبک زندگی				ردیف
رفتار ما با رئیس	۲۱	مسئله کسب و کار	۱۱	مسئله خانواده
رفتار ما با مرئوس	۲۲	رفتار ما در محل کار	۱۲	سبک ازدواج
رفتار ما با پلیس	۲۳	رفتار ما در دانشگاه	۱۳	نوع مسکن
رفتار ما با مأمور دولت	۲۴	رفتار ما در مدرسه	۱۴	نوع لباس
سفرهای ما	۲۵	رفتار ما در فعالیت سیاسی	۱۵	الگوی مصرف
نظافت و طهارت ما	۲۶	رفتار ما در ورزش	۱۶	نوع خوراک

محورهای اصلی دیدگاه مقام معظم رهبری به سبک زندگی				ردیف
رفتار ما با دوست	۲۷	رفتار ما در رسانه‌هایی که در اختیار ماست	۱۷	نوع آشپزی
رفتار ما با دشمن	۲۸	رفتار ما با پدر و مادر	۱۸	تفریحات
رفتار ما با بیگانه	۲۹	رفتار ما با همسر	۱۹	مسئله خط
فرهنگ کار جمعی	۳۰	رفتار ما با فرزند	۲۰	مسئله زبان

در واقع از منظر مقام معظم رهبری، سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هر هدفی که ما برای زندگی ترسیم کنیم، طبعاً متناسب با آن، یک سبک زندگی پیشنهاد می‌شود. نقطه کانونی در بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، ضمن اشاره به سبک زندگی توحیدمحور، نفی تقلید از سبک زندگی غربی است. ایشان اشاره می‌کنند که برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم و مظهر کامل و انحصاری تحمیل سبک زندگی را، تمدن غربی اعلام می‌کنند. از نگاه ایشان، فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. به این معنا که هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اجتماعی را از بین بردند و تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند [۷]. فی الواقع نزاع این دو نوع رویکرد، در نهایت به تقابل تمدن غربی و اسلامی منجر خواهد شد. تمدن غربی، ایده آمریکایی شدن خودمحور و تمدن اسلامی، ایده استقلال‌محور را دنبال می‌کند. بر این اساس سبک زندگی در فرهنگ اسلامی توحیدمحور است و رضایت خداوند، چارچوب زندگی انسان مؤمن را تعیین می‌کند. بر بستر جهان‌بینی توحیدی، تفکر، اخلاق و رفتار شکل می‌گیرد که در نهایت رسالت دین تنظیم مجموعه روابط چهارگانه انسان شامل رابطه انسان با خداوند تبارک و تعالی، با خود، با دیگران و با دنیا و دستاوردهای بشری شکل می‌گیرد.

شکل ۲. تمایز سبک زندگی اسلامی و غربی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.



۲-۲. کیفیت سبک زندگی: استقلال فرهنگی و مقابله با فرهنگ غرب

مقام معظم رهبری در چند موقعیت مختلف به موضوع کیفیت سبک زندگی پرداخته و در تشریح آن به بیانات امام خمینی (ره) استناد می‌کنند. از نگاه ایشان، یکی از اصلی‌ترین مسائلی که امام داشتند، ایجاد فاصله و مرز بین تفکر و سبک زندگی اسلامی، با نظام‌های غربی است و بر این اساس رهبری، ارتجاع را این‌گونه تعریف می‌کنند که مرتجع آن کسی است که در سیاست و سبک زندگی، تابع سیاست و سبک زندگی غربی باشد. چون انقلاب اسلامی این‌گونه زندگی را کنار زد؛ فلذا هر کسی که مجدد به آن برگردد، مرتجع است [۱۰] و همچنین ایشان در سال‌های اخیر به دنبال آسیب‌هایی که در حوزه فرهنگ متوجه جامعه ما شده، بیان داشتند که لازم است در ساختار فرهنگی جامعه، به منظور تغییر ذهنیت و نرم‌افزار حاکم بر اعمال و رفتار مردم بازسازی و بازطراحی از جنس حرکتی که در انقلاب اسلامی رخ داد، صورت بگیرد^۱ و مشکلات و معضلات باید از طریق امتداد نگاه انقلابی در حوزه‌های مختلف برطرف شود. [۱۱].

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵ در سالگرد رحلت امام خمینی، در تبیین نگاه ایشان ذیل موضوع استقلال فرهنگی بیان می‌کنند: حفظ استقلال فرهنگی از استقلال اقتصادی هم مهم‌تر است و استقلال فرهنگی درست جایی است که دشمن هدف گرفته است و استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی ایرانی-اسلامی را انتخاب کنیم که از معماری گرفته تا زندگی شهری، زیست‌انسانی، پیوندهای اجتماعی و همه مسائل گوناگون را شامل می‌شود و تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است [۱۲]. در جایی دیگر ایشان به بُعد قدرت‌ساز فرهنگ و سبک زندگی اشاره کرده و بیان می‌فرمایند: چنانچه ملتی به لحاظ فرهنگی و سبک زندگی مستقل نباشد، ضعف شدیدی در قدرت ملی دارد و سبک زندگی و فرهنگ هر ملتی باید تابع فرهنگ مستقر خودشان باشد [۱۳].

با چنین رویکردی است که تمام مواضع ایشان در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش اسناد بین‌المللی و نیز، ارتباط با سایر کشورها قابل توضیح خواهد بود. برای نمونه، رهبری در موضوع سند ۲۰۳۰، چون نقطه کانونی را بر گرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی قلمداد می‌کنند و لبّ این سند را آموزش سبک زندگی و فلسفه حیات بر اساس مبانی غربی می‌دانند [۱۴] بیان می‌کنند که چرا باید یک کشوری مثل کشور ما با وجود فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ بر جسته در خشان ایرانی تحت تأثیر تعلیمات کسانی که تمدن‌شان و فرهنگ‌شان یک چیز جدید و مادی و غلط و شکست‌خورده است قرار بگیرد؟ [۱۵] و به همین دلیل خواهان این موضوع هستند که باید مقابله‌ای از سوی جوان‌های مؤمن و انقلابی صورت بگیرد تا چنین پس‌رفتی اتفاق نیفتد [۱۶].

با التزام به چنین نگرشی است که فرهنگ و به دنبال آن سبک زندگی، دیگر نه تنها موضوعی هزینه‌بر نیست، بلکه قدرت‌ساز و مولد ارزش‌های ملی و دینی است که به تقویت ساخت جامعه کمک می‌کند و باعث پیشرفت آن می‌شود، خصوصاً برای ملتی مانند ملت ایران که سابقه‌ای دیرینه، فرهنگی ریشه‌دار و غنی و مبتنی بر آموزه‌های الهی دارد و بر همین پایه، انقلاب خود را بنیان نهاده است. با در نظر گرفتن نکات ذکر شده، موضوع سبک زندگی، امری حیاتی و ضروری برای انقلابی همچون انقلاب اسلامی است که داعیه تمدن‌سازی را بر دوش می‌کشد.

۲-۳. ضرورت آسیب‌شناسی وضعیت سبک زندگی

ضرورت آسیب‌شناسی موضوع سبک زندگی، یکی دیگر از مواردی است که رهبری در تبیین سبک زندگی مدنظر قرار داده‌اند. ایشان در بیانات خود در سال ۱۳۹۱ می‌فرمایند: «لازم است، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیردست چگونه است؟ با کسی که بالاتر است، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه بخش‌ها، تقویت خواهد شد» [۱۷]. همچنین معظم‌له در اجتماع نوروزی مردم در سال ۱۳۹۷ با آسیب‌شناسی شیوه زندگی عموم مردم، بیان می‌کنند: یکی از موانع مهم و عیوب اساسی در سبک زندگی، به آحاد مردم برمی‌گردد و به مسئولین مربوط نیست و می‌بایست که اصلاح شود. از جمله این موارد می‌توان به مصرف‌گرایی، اسراف، زیاده‌روی و زیاد خرج کردن و رفاه‌طلبی افراطی اشاره کرد که این موارد در نهایت به کشور ضربه می‌زند [۱۸].

۲-۴. رسالت و وظایف مردم و حاکمیت در موضوع سبک زندگی

نگاه آسیب‌شناسانه مقام معظم رهبری به مقوله سبک زندگی که در بالا به آنها اشاره شد به نوبه خود می‌تواند مسئولیتی را متوجه امت و سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های مردمی ذی‌مدخل در موضوع سبک زندگی کند که این امر در منظومه فکری رهبری قابل پیگیری است. ایشان

۱. برای مطالعه بیشتر به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱): طرح مسئله، اهم چالش‌ها و راهبرد» به شماره مسلسل ۱۹۲۱۴ مراجعه کنید.

مسئولیت این موضوع را بر عهده بخش‌های مختلفی از جامعه می‌دانند. از نگاه معظم‌له، از یک سو دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی در این حوزه مسئولیت جدی دارند و از سوی دیگر، جوانان و دانشجویان و صاحبان فکر و اندیشه نیز در این موضوع وظیفه‌مند می‌باشند. ضمن اینکه بخشی از این وظیفه نیز به عهده خود مردم است. ایشان در دیدار اعضای هیئت دولت در سال ۱۳۹۵، فرهنگ را جزو اولویت‌های مهم کشور بیان فرمودند و در رابطه با موضوع سبک زندگی، مسئولیت را متوجه دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی مثل مدرسه دانستند. در جایی دیگر ایشان، ضمن اینکه دستگاه‌های مسئول مثل صداوسیما و سازمان تبلیغات را مکلف به ترویج و ارتقای سبک زندگی می‌دانند از جوانان، دانشجویان و حوزه‌های علمیه می‌خواهند که سبک زندگی اسلامی-ایرانی را در اندیشه و در عمل دنبال کرده و مصادیق مشخص و روشنی را برای آن معین کرده و دستورالعمل‌هایی را نیز بدین منظور تولید کنند [۱۹]. در جای دیگری، مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: موضوع سبک زندگی به عنوان یکی از شعب عدالت خواهی است که باید مدنظر دانشجویان باشد [۲۰].

علاوه بر اینها، ایشان در حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۳، ذیل وظایف راهبردی این شورا، از سبک زندگی به عنوان یکی از عرصه‌های کلیدی نام می‌برند که لازم است با مدیریت راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی، چالش‌های این حوزه در کنار سایر حوزه‌های دیگر بر طرف گردد [۲۱]. معظم‌له در جای دیگری، در حکم انتصاب مسئولانی که به نحوی از انحا به موضوع سبک زندگی ارتباط پیدا می‌کردند، به موضوع سبک زندگی توجه بسیاری داشتند، برای مثال در حکم انتصاب آقای سرفراز به عنوان رئیس سازمان صداوسیما در سال ۱۳۹۳، اشاره داشتند: این سازمان با مأموریت، هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه، باید سبک زندگی اسلامی ایرانی را در میان آحاد ملت ترویج نماید. رهبر انقلاب اسلامی در این حکم با اشاره به مسئولیت تاریخی رسانه ملی در حفظ و ارتقای استقلال فرهنگی و هویت انقلاب ایران اسلامی تأکید داشتند که سازمان صداوسیما با مأموریت خطیر «هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه» به مثابه دانشگاه عمومی، وظیفه گسترش دین، اخلاق، امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده داشته و به عنوان موتور محرک و مشوق پیشرفت کشور، وظیفه پشتیبانی رسانه‌ای همه‌جانبه و مبتکرانه در امر بسیج عمومی ملت و نیز کمک به مدیریت‌های اجرایی در جهت تأمین اهداف و اجرای سیاست‌های کلی نظام و تحقق سند چشم‌انداز کشور را بر دوش دارد [۲۲]. همچنین ایشان در حکم انتصاب حجت‌الاسلام قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۹۷، یکی از رسالت‌های این سازمان را مقابله با دشمنی‌هایی که علیه سبک زندگی ایرانی-اسلامی صورت می‌گیرد، بر شمردند و بیان داشتند که رسالت دیگر این سازمان، رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز، بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی-ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، در صدد تهی کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن می‌باشند [۲۳]. علاوه بر اینها، رهبری در حکم انتصاب آقای جبلی به ریاست سازمان صداوسیما در سال ۱۴۰۰، یکی از رسالت‌های اصلی این سازمان را ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی بیان کردند و اعلام داشتند: هدایت فرهنگی، تقویت روحیه و احساس هویت ملی و انقلابی، ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی و افزایش هم‌پستگی ملی، در شمار اولویت‌هایی است که باید با ارتقای سرمایه انسانی و رشد کیفی برنامه‌ها و بهره‌گیری از ابتکار و با تلاش شبانه‌روزی به آن دست یابد [۲۴]. همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در هفتمین سرفصل از آن اجمالاً به موضوع سبک زندگی به عنوان یکی از سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده اشاره فرمودند و بر این امر تأکید داشتند: لازم است مقابله‌ای جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه توسط جوانان علیه تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران و زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی که به کشور و ملت ما زده است صورت بگیرد [۲۵].

۵-۲. جمع‌بندی نظرگاه رهبری در خصوص سبک زندگی

به نظر می‌رسد کانون مباحث مقام معظم رهبری در موضوع سبک زندگی را باید در مسئله استقلال فرهنگی جستجو کرد. جایی که به وسیله آن می‌توان گفتار تولید شده در ایران از آغاز انقلاب اسلامی، تا امروز جمهوری اسلامی را با آن توضیح داد. از این منظر است که حفظ استقلال فرهنگی از استقلال اقتصادی هم مهم‌تر می‌شود؛ به بیان دیگر، جایگاه استقلال فرهنگی در گفتار انقلاب اسلامی است که حتی استقلال اقتصادی را نیز صورت‌بندی می‌کند. با این رویکرد، پرداختن به فرهنگ و سبک زندگی، از شکل ذخیره‌ای از پیش موجود و الهام‌بخش که همواره در دسترس ما بوده، خارج می‌شود و به صورت منبعی قدرت‌ساز که نقشی جدی و مولد در قدرت ملی دارد تبدیل خواهد شد. گفتار انقلاب اسلامی، گفتاری سیاسی و استقلال‌خواهانه است که خودش را در مقاومت می‌سازد و امتداد می‌دهد. این گفتار، در زمان وقوع انقلاب اسلامی، اراده‌ای را طلب کرد تا از دل مقاومت، جامعه‌ای را بسازد و استقلال را به ارمغان بیاورد. برنامه این گفتار استقلال‌خواهانه است



که در نظامی تحت‌عنوان جمهوری اسلامی، در داخل مرزها، حمایت از تولید و مولد بودن به معنای عام آن و در خارج از مرزها، حمایت از جبهه مقاومت می‌شود. در مقابل این رویکرد، سبک زندگی غربی قرار دارد که تصویری از جامعه بی‌مسئله را نشان می‌دهد. جامعه‌ای که طرحی برای مواجهه با حقیقت ندارد و مصرف را محور تعاملات روزمره خود قرار می‌دهد و مردمش را سرگرم مصرف می‌کند تا از مسائل انسانی دور بمانند و با حقیقت روبه‌رو نشوند. صورت تمام‌عیار این موضوع را می‌توان در جوامع مدرن یا در حال مدرن غربی مشاهده کرد و از این رو، سبک زندگی برآمده از گفتاری استقلال‌خواهانه و مولد با سبک زندگی غربی و مصرفی، سرستیز دارد و ارائه طرحی از زندگی مولد و خدامحور در راستای این مقابله با سبک زندگی غربی معنا پیدا می‌کند و به این دلیل است که در مسیر رسیدن به اهداف غایی انقلاب اسلامی، مبنی بر ساختن تمدن اسلامی، علاوه بر جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی، ارائه سبکی از زندگی مبتنی بر گفتار استقلال‌خواهانه، موسوم به سبک زندگی ایرانی - اسلامی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۳. جایگاه موضوع سبک زندگی در برنامه‌های توسعه کشور

به‌طور کلی، در پرداختن به موضوع فرهنگ، دو نوع رویکرد شامل رویکرد جزئی‌نگر و رویکرد فراگیر نسبت به فرهنگ را می‌توان پیش گرفت. در رویکرد جزئی‌نگر، فرهنگ و مسائل و موضوعات آن، جدای از مسائل و موضوعات حوزه‌های سیاست و اقتصاد بوده و در عرض آنها قرار می‌گیرد؛ اما هنگامی که مفهوم کلان فرهنگ، موضوع بحث باشد، نگاه به فرهنگ، لاجرم نگاهی فراگیر خواهد بود. در این نگاه، فرهنگ تنها به جزئی از جامعه اطلاق نشده و در سطح کلان مطرح می‌شود. در این صورت، مفهوم فرهنگ با معنایی گسترده‌تر و فراگیر در تمامی حوزه‌ها به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، همچنان که محصولات فرهنگی مانند کتاب، فیلم، موسیقی و رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی، فرهنگ‌ساز هستند، محیط‌ها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی هم در فرهنگ‌سازی نقش ایفا می‌کنند. در رویکرد «جزئی‌نگر»، فرهنگ، واحدی خودمختار نبوده و تحت تأثیر سایر حوزه‌های اجتماعی مانند سیاست و اقتصاد است. بنابراین بخش فرهنگ در کنار سایر بخش‌ها تعریف می‌شود و آن را یکی از اجزای جامعه محسوب کرده که در عرض سایر اجزای جامعه قرار داشته و تحت تأثیر آنها شکل می‌گیرد، اما در رویکرد فرهنگ به مثابه «امر فراگیر»، برخلاف رویکرد جزئی‌نگر، فرهنگ امری جامع و معطوف به کل شیوه زندگی است [۲۶]. همین دو رویکرد را در بررسی موضوع سبک زندگی در برنامه‌های توسعه نیز می‌توان دنبال کرد.

با طرح موضوع سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۹۱، این موضوع، صراحتاً در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های ششم و هفتم توسعه نیز دیده می‌شود. در سیاست‌های کلی برنامه ششم، در بند «۶۹»، ذیل فصل «امور فرهنگی» به «ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» اشاره شده و در سیاست‌های کلی برنامه هفتم، در بند «۱۳»، ذیل فصل «فرهنگی و اجتماعی» به «اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی، تقویت هم‌بستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقای هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و مردمی و افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی مؤثر دولت از آن» تأکید شده است.

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره شد، موضوع سبک زندگی در علوم انسانی از مفاهیمی است که می‌توان از آن برای تبیین جنبه‌های مختلف فرهنگ بهره برد. این موضوع از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که سبک زندگی در چرخه نهایی فراگرد فرهنگ قرار دارد؛ یعنی جایی که تمام ذهنیت‌ها و افکار در قالب رفتار و کنش، خود را عیان می‌کند؛ لذا سبک زندگی نشان می‌دهد مردم هر جامعه‌ای، چگونه فکر می‌کنند و نسبت به امور مختلف چه ذهنیتی دارند. از طرفی دیگر، بررسی روند سیاست‌گذاری فرهنگی، که دولت‌ها از طریق آن، سبک زندگی مردم را جهت‌دهی می‌کنند ضروری به نظر می‌رسد. زیرا از یک سو می‌توان نگاه دولت‌ها به مقوله سبک زندگی را کشف کرد و از سوی دیگر، روند تبدیل مفاهیم کلی موجود در اندیشه رهبران به سیاست‌های خرد و کلی، قوانین و مصوبه‌ها قابل پیگیری خواهد بود. در این بین، برنامه‌های توسعه کشور در زمره مهم‌ترین اسنادی هستند که می‌توان نگاه کلی دولت‌ها را در مقطع تدوین، تصویب و اجرای آنها دنبال کرد.

به‌طور کلی، می‌توان اسناد برنامه‌های توسعه در حوزه فرهنگ را بازنمای ایده‌آداره فرهنگ و نسبت آن با سبک زندگی و همچنین برایندهای مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی دانست. از این رو با مطالعه و بررسی سبک زندگی در برنامه‌های توسعه، می‌توان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی صورت گرفته را ارزیابی کرد.

مروری بر برنامه‌های توسعه در کشور نشان می‌دهد که این برنامه‌ها دارای دو قسمت مجزا از یکدیگر هستند. یک بخش، معمولاً تکرار

راهبردهای معینی است که در همه برنامه‌های توسعه قابل شناسایی است و دیگری سیاست‌هایی که غالباً وابسته به گرایش دولتی که مسئول تدوین برنامه در آن مقطع زمانی بوده است. عمده محورهایی که در بخش اول همه برنامه‌های توسعه تکرار شده‌اند، شامل ضرورت حاکم کردن ارزش‌ها و اخلاق اسلامی، دفاع از خانواده به‌عنوان نهادی مقدس، ترویج آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، گسترش فرهنگ تعاون و نیز، تلاش برای شناساندن شخصیت امام خمینی (ره) هستند. این سیاست‌ها همواره حضور ثابت و پایداری در حکمرانی فرهنگی کشور داشته‌اند. در ادامه سعی شده با رویکردی کلان‌نگر، برنامه‌های توسعه بررسی شوند و صرفاً به لفظ صریح «سبک زندگی» در برنامه‌ها اکتفا نشود، بلکه احکامی که به‌طور ضمنی به مفهوم سبک زندگی اشاره دارند، مدنظر قرار گیرند و در نسبت با سایر احکام، خصوصاً سیاست‌های اقتصادی، ارزیابی شوند.

۱-۳. برنامه اول توسعه

از آنجایی که برنامه اول توسعه به دوران بعد از جنگ برمی‌گردد، تأکید اصلی برنامه‌ها و مسئولین وقت، سازندگی کشور بوده و مسئله سبک زندگی، جزء کوچک و حاشیه‌ای در برنامه اول محسوب می‌شد. در آن زمان، در حوزه اقتصاد، مهم‌ترین مسئله، تصمیم به کاهش هزینه‌های دولت از طریق واگذاری برخی فعالیت‌های آن به بخش غیردولتی است که از آن به‌عنوان کوچک‌سازی دولت یاد می‌شود و برای اجرای آن از سه راه کاهش هزینه‌های عمومی دولت، خصوصی‌سازی^۱ و مجوز تأسیس مناطق آزاد تجاری و صنعتی اقدام شد.

در این رهگذر، به‌منظور اجرای این سیاست‌ها در بخش هدف‌های اصلی بند «۳» قانون برنامه اول به‌مواردی همچون «منطقی نمودن نظام تشکیلاتی دولت در چارچوب وظایف قانونی و منابع مالی»، «جلب مشارکت مردم به تأمین هزینه‌های خدمات عمومی» و «کاهش بار مالی هزینه‌های دولتی از طریق انتقال پاره‌ای از وظایف موجود به بخش غیردولتی» می‌توان اشاره کرد. علاوه بر اینها، توسعه آموزش با پرداخت شهریه و «انتقال بخشی از مؤسسات تولیدی به بخش غیردولتی با ایجاد سازوکار انتفاعی» در مسیر اجرای این سیاست‌ها مورد توجه قرار گرفت. در کنار این موضوعات، لازم است به تبصره «۱۹» برنامه اول نیز اشاره کرد که در نهایت در سال ۱۳۷۲، به شکل‌گیری سه منطقه آزاد در کیش، قشم و چابهار انجامید [۲۷].

ایجاد این مناطق آزاد، صرف‌نظر از جنبه‌های اقتصادی آن، منجر به ایجاد سبک زندگی جدیدی شد که در ایران تا پیش از این، کمتر به رسمیت شناخته می‌شد و با تأسیس این مناطق، طبقه متوسط و بالای ایرانی که قرار بود کم‌وبیش آنچه در سفر به اروپا یا کشورهای حاشیه خلیج فارس را طلب کند، در این مناطق به‌دست آورد. با اتخاذ این تصمیم، تا حدی فضا برای ترویج فرهنگ غیر خودی فراهم شد.

علاوه بر این، می‌توان به سیاست خصوصی‌سازی اشاره کرد. سیاستی که با اهدافی مانند «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم»، «ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی»، «افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی» و «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» آغاز شد و همچنین با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهارم در سال‌های بعد^۲ تأکید مقام معظم رهبری را نیز به‌همراه داشت و اقدامات مؤثر و مفیدی هم در جهت کاهش فاصله طبقاتی و رفع تبعیض به روش واگذاری سهام عدالت به سه دهک پایین جامعه یا توانمندسازی اجتماعات محلی صورت گرفت، اما چون این سیاست در شرایطی ادامه یافت که بخش خصوصی صاحب سرمایه و نیز بخش تعاونی، مستقل از ساختار دولتی در ایران هنوز آن‌قدر توانمند نشده بود که بتواند تمام بار خصوصی‌سازی را به دوش بکشد، در نتیجه سهم بخش خصوصی واقعی در اقتصاد ملی به آن میزان که انتظار می‌رفت، افزایش نیافت و حجم عظیمی از سهام شرکت‌های دولتی مشمول واگذاری، به‌جای اینکه به‌سمت بخش مردمی و خصوصی کارآمد هدایت شود، به‌سمت سازمان‌ها و نهادهای شبه‌دولتی منتقل شد. مهم‌ترین عامل این موضوع را می‌توان مقاومت نهادهای دولتی در مسیر خصوصی‌سازی نام برد که باعث شد، عایدی خصوصی‌سازی‌ها بیش از آنکه متوجه گروه‌های مردمی گردد، نصیب افرادی خاص شود و در نهایت گسترش نوعی سبک زندگی خاص در بین افراد صاحب نفوذ را دامن بزند [۲۸]. در واقع، سیاستی که شکل دهی به «بخش خصوصی» صاحب سرمایه و فعال در بخش‌های مختلف را مدنظر داشت، کمتر مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته بود و اجرای نادقیق خصوصی‌سازی، منجر به شکل‌گیری و بروز نوعی از سبک زندگی شد که کمتر مورد قبول گفتمان اصلی و سیاست‌های کلی نظام بود [۲۹].

۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ لزوم تمرکز دولت بر مالکیت و مدیریت بخش عمده‌ای از صنایع و فعالیت‌های اقتصادی کشور در شرایط حساس دوران جنگ تحمیلی اجتناب‌ناپذیر شد. ضمناً به‌موجب اصل (۴۴) قانون اساسی نیز مالکیت بسیاری از فعالیت‌ها از جمله بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، صنایع مادر و بزرگ، هواپیمایی، کشتیرانی و... عمومی اعلام شد. با توجه به این امر، مالکیت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در اختیار کامل دولت قرار گرفت. این روند تا اواخر دهه ۶۰ کماکان ادامه یافت تا اینکه پس از خاتمه جنگ، دولت اقدام به تدوین و تصویب برنامه‌های بازسازی اقتصادی، اجتماعی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه جهت بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی و حضور فعال‌تر بخش خصوصی در اقتصاد ملی نمود و بستر لازم جهت خصوصی‌سازی را فراهم کرد. در ادامه این مسیر طی قانون برنامه سوم توسعه نیز برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تحت عنوان ساماندهی شرکت‌های دولتی و واگذاری سهام آن‌ها دنبال نمود. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۴ ابلاغ شده است.



۲-۳. برنامه دوم توسعه

برنامه دوم توسعه، اولین جایی است که به اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی به منظور جلب مشارکت بیشتر بخش‌های خصوصی و تعاونی در امور عمومی و خدمات اجتماعی، تولید اشتغال، تجارت، پژوهش و نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات زیربنایی و عمومی دولت می‌پردازد. طبعاً ورود بخش خصوصی بدون ضوابط متقن و دقیق به خدمات عمومی و اجتماعی و تولید و تجارت با هدف کسب سود بیشتر صورت می‌گیرد و لازمه کسب سود بیشتر، افزایش مصرف در جامعه است. این اقدام با ورود کالاهای خارجی و تبلیغات آن، شدت پیدا کرد. از طرفی دیگر، سیاستگذاران فرهنگی می‌پنداشتند که می‌توانند با استفاده از عبارت «اصلاح الگوی مصرف» در برنامه و اقداماتی پیرامون آن، حوزه مصرف را که کلیدی‌ترین حوزه در سبک زندگی است، کنترل و اصلاح کنند؛ در صورتی که سیاست‌های اقتصادی، مسیری کاملاً برخلاف این موضوع را دنبال می‌کرد. تشکیل شورای عالی الگوی مصرف در این برنامه نیز در ادامه، با هدف کاهش تقاضا برای مصرف، صورت پذیرفت. در این شورا، بر «گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی»، «اشاعه فرهنگ صرفه‌جویی و پرهیز از اتلاف و اسراف منابع» و «ارائه الگوهای مصرفی قابل قبول» تأکید شده است [۳۰]. با وجود این، تناقض میان سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی از جمله مواردی است که در این برنامه، به صورتی حل نشده، باقی ماندند. علت این تناقض آن است که اساساً موضوع رشد اقتصادی که یکی از اهداف برنامه‌های توسعه به‌شمار می‌رود، با افزایش مصرف پیوند مستقیمی دارد (و نه رشد تولید داخل) و نمی‌توان سیاست کاهش مصرف را در کنار اهداف توسعه‌گرایانه افزایش رشد اقتصادی قرار داد.

از سوی دیگر، توجه به «جلوگیری از درآمدهای کاذب و غیرقانونی و بادآورده یا ناشی از امتیازات نابجا» و «جلوگیری از ریخت‌وپاش، اسراف و تبذیر در بودجه‌های عمومی و دستگاه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، بانک‌ها و نهادهای انقلابی» در این قانون، نشان‌دهنده حساس شدن سیاستگذار به پدیده‌هایی مانند رانت و فساد است. این در حالی است که سیاستگذار به تبعات واگذاری امور دولتی به بخش خصوصی نحیف و کم‌توان، کم‌توجه بود. همچنین، وجود عبارت مقابله با تهاجم فرهنگی در این برنامه، نشانگر اهمیت دخالت‌های بیگانه از منظر سیاستگذار بوده که به نظر می‌رسد توجهی به ارتباط این مسئله با مصرف‌گرایی در برنامه دوم نشده است. زیرا تهاجم فرهنگی در بستر سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی در نتیجه اجرای نادقیق سیاست‌های اقتصادی، مجال بروز یافت [۲۹].

۳-۳. برنامه سوم توسعه

در برنامه سوم توسعه، رویکرد کوچک‌سازی دولت دوباره، تکرار شد و «هیئت عالی واگذاری» و «سازمان خصوصی سازی» در این برنامه با همین هدف تشکیل شدند. از طرفی، موضوع تهاجم فرهنگی که در برنامه‌های قبل بود، در این برنامه وجود ندارد، زیرا دولت وقت تلاش می‌کرد که تخاصم با غرب را به تبادل نظر و گفتگو تبدیل کند. به همین دلیل، ادبیات این برنامه در حوزه فرهنگ، دارای تفاوت‌های زیادی با برنامه‌های قبل است. مشارکت اجتماعی زنان و اشتغال آنان در این برنامه مورد تأکید ویژه قرار گرفته و از سوی دیگر، نوعی نگاه بازارگرا به فرهنگ، با واگذاری تأسیسات و فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و طرح‌های نیمه‌تمام و اراضی متعلق به آنها در مناطق شهری به بخش غیردولتی با اولویت شهرهای بزرگ، در این برنامه ترویج شد [۳۱].

در این برنامه، در غیردولتی کردن فرهنگ، وجود نوعی تنش قابل مشاهده است که به نظر نمی‌رسد دلالت‌های آن برای سیاستگذاران آن زمان، چندان روشن بوده باشد، بدین ترتیب که از یک سو، توجه به ضرورت‌های اقتصاد غیردولتی فرهنگ، نوعی نگاه بازارگرا بر بخش‌های فرهنگی برنامه حاکم کرد و از سوی دیگر، دست‌کم در بخش‌هایی از برنامه، تقویت جامعه در حوزه‌های فرهنگی مورد نظر بوده است؛ اما در نهایت، تفکیک چندان روشنی میان بازاری شدن فرهنگ و اجتماعی شدن فرهنگ در برنامه دیده نمی‌شود. مواردی همچون اعتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری در تحکیم مبانی فکری ارزش‌های انقلاب اسلامی، فرهنگ جهاد و شهادت و ترویج ارزش‌های ایرانی اسلامی، اعزاز مبلغ برای مناطق محروم و فاقد روحانی و همچنین، گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، در این برنامه نیز تأکید شده است.

نکته حائز اهمیت این است که میل به سیاستگذاری در حوزه سبک زندگی، در برنامه سوم، به‌طور کلی، کمتر دیده می‌شود و بحث واگذاری فرهنگ به بخش غیردولتی، بسیار پررنگ است. در این دوره با حمایت‌هایی که از طریق اعتبارات فصل کمک‌های بلاعوض اعطا می‌شدند، امکان انتشار نشریات تخصصی و غیرتخصصی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی ایجاد شد. ویژگی مهمی که نشریات این دوره را از سایر دوره‌ها متمایز می‌کند، کاهش محدودیت‌های چاپ و مرزهای ممیزی (سانسور) در حوزه‌های مختلف است. از همین دوره، ریشه تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل پیگیری است؛ از جمله این موارد می‌توان به گسترش نشریات و مجلات زرد

در حوزه سبک زندگی اشاره کرد. نشریاتی که به سبک مجلات غربی با محوریت اخبار بازیگران، خواننده‌های سینمایی و تلویزیونی داخلی و خارجی چاپ و منتشر می‌شدند و نوع زندگی مصرفی آنها را تبلیغ می‌کردند و از آنها الگویی برای زندگی مردم ساخته می‌شد [۳۲].

۳-۴. برنامه چهارم توسعه

برنامه چهارم نسبت به سایر برنامه‌های توسعه قبلی، بیشترین تأکید را بر موضوعات مرتبط با سبک زندگی داشته است. مفاهیمی همچون «حقوق شهروندی» و «فرهنگ اسلامی-ایرانی» برای اولین بار در این برنامه به کار رفته است. علاوه بر این موضوعات، سرفصل «رشد اقتصاد ملی دانایی محور در تعامل با اقتصاد جهانی» نیز در همان ابتدای برنامه به نشانه اهمیت آن، آمده است. همچنین، همسو با سه برنامه قبلی، تداوم راهکار خصوصی سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی نیز در این برنامه مشاهده می‌شود، اما آنچه جنس برنامه چهارم را به لحاظ سبک زندگی، متفاوت می‌کند تأکید بر «حقوق شهروندی» است که مطابق آن، در ماده (۱۰۰) تصریح شده که دولت موظف است منشور حقوق شهروندی را با محورهایی تصویب نماید که این محورها، نشانگر میل به پذیرش تکثر در سبک زندگی و پذیرش به فردیت و تفاوت‌های فردی در جامعه است. همچنین در این برنامه، حقوق زنان، جوانان و اقوام مورد توجه قرار گرفته و در حوزه بین‌الملل، تأکیدات مبنی بر «ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» صورت گرفته که گویای رویکرد متفاوت این برنامه است. مجموعه این عوامل حاکی از فضای جدیدی در ذهن سیاستگذار است که به دنبال تغییرات اجتماعی، ارزش‌های جدیدی را مدنظر قرار داده و به سمت ترویج شکلی جدید از سبک زندگی در حال حرکت است [۳۰].

در این برنامه هم، نگاه بازارگرا، در کنار تلاش برای رونق دادن به فرهنگ غیردولتی همچون برنامه سوم توسعه، برجسته است. تلاش بسیاری در این برنامه برای فعال شدن اهالی فرهنگ در اقتصاد فرهنگ حتی با کمک‌های دولت صورت گرفته و بر ضرورت از بین رفتن موانع انحصاری تأکید شده که نشانه‌ای از تمایل برای عبور از فرهنگ دولتی به فرهنگ غیردولتی و پذیرش ذائقه عمومی به منظور حفظ حقوق شهروندی به‌عنوان محوری اساسی در رویکرد دولت است. رویکردی که در راستای پذیرش ادبیات اسناد بین‌المللی و چشم‌پوشی از برخی اصول مبتنی بر ارزش‌های ایرانی-اسلامی تلقی می‌شد. با وجود این، در برنامه چهارم، مانند سه برنامه پیشین، تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت ایرانی-اسلامی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی از موارد مصرح در برنامه است. اشاره به ارزش‌های اخلاقی، انقلابی و اسلامی در قالب عباراتی مانند «بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی ترویج و توسعه فرهنگ نماز»، «مقابله با تهاجم فرهنگی» «گسترش فضاهای مذهبی و مساجد»، «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، «زنده و نمایان نگاه داشتن اندیشه دینی و سیاسی و سیره عملی حضرت امام خمینی» به‌نوبه خود نشان‌دهنده تداوم میل سیاستگذار به ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه است [۳۳].

در مجموع، در این برنامه، به لحاظ سبک زندگی، تربیت شهروندانی قانون‌گرا، بهره‌مند از حق آزادی، گفتگو و تعامل با دیگری و در عین حال، وفادار به ارزش‌های اخلاقی و آشنا با هویت ایرانی-اسلامی خود مدنظر بوده است.

۳-۵. برنامه پنجم توسعه

در برنامه پنجم توسعه بر نگارش مجموعه‌ای از اسناد نظیر «الگوی توسعه اسلامی ایرانی»، «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، «سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح بین‌الملل»، «نظام جامع رسانه‌ها»، «سند ملی کار شایسته»، «برنامه ساماندهی امور جوانان»، «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» تأکید شده است. این برنامه برخلاف برنامه‌های قبل، که با بخش اقتصادی شروع شده‌اند، با فصل «فرهنگ اسلامی-ایرانی» آغاز می‌شود و ذیل آن، دولت موظف شده از بخش غیردولتی در حوزه فرهنگ، مشروط به حفظ ارزش‌هایی همچون تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی، اعتلای معرفت دینی و تقویت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و روحیه کار جمعی، ابتکار ترویج فرهنگ مقاومت و ایثار، تبلیغ ارزش‌های انقلاب اسلامی در راستای تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ غنی قرآن کریم

۱. در همین جهت به دولت اجازه داده شده تا «از همه روش‌های امکان‌پذیر اعم از مقررات زبانی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام واگذاری اموال) تجزیه به منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکت‌ها استفاده شود».

۲. محورهای منشور حقوق شهروندی عبارتند از:

(الف) پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آئین شهروندی.

(ب) تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.

(ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به سمت فرآیندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی.

(د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان، ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی و حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد.

(ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.



و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، حمایت کند. از طرفی دیگر، کمک به توسعه هیئت‌ها، مساجد و اماکن زیارتی، «حذف اسامی لاتین از سر در اماکن عمومی شرکت‌ها و بسته‌های کالاهای غیرصادراتی»، «ممنوع‌سازی طراحی، تولید، توزیع و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری و سینمایی رسانه‌ای، صنایع دستی که موجب ترویج فرهنگ برهنگی، بدحجابی و بی‌حجابی و ابتدال باشند» و «مقابله با تهاجم فرهنگی و جرائم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای» و «پشتیبانی لازم برای افزایش حداقل یک و نیم میلیون نفر بسیجی فعال و ویژه تا پایان برنامه با تأکید بر تربیت نیروی انسانی متعهد و انقلابی و کمک به تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ و تفکر بسیجی»، از دیگر تأکیدات بخش فرهنگ اسلامی - ایرانی در این برنامه است [۳۴-۳۵].

از سوی دیگر، آنچه در این برنامه در حوزه سبک زندگی چشمگیر است، پر رنگ شدن تأکیدات است که در چهار برنامه قبلی نیز ذیل گفتمان «ارزش‌های انقلابی - اسلامی» صرفاً بخشی از برنامه را تشکیل می‌داد، به نحوی که این امر در این برنامه، کلیت جهت‌گیری برنامه را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است که در برنامه پنجم، دیگر مسائلی مانند حقوق شهروندی، پذیرفتن آزادی‌ها و تفاوت، محوریت ندارد و در عوض، مقاومت در برابر غرب برجسته شده و تقویت نیروی بسیج، بخش مهمی را به خود اختصاص داده است. این امر به نوبه خود نشان می‌دهد که سبک زندگی جهادی در این برنامه، محوریت پیدا کرده است. در مجموع می‌توان محورهای فرهنگی برنامه پنجم را متمایز از برنامه چهارم دانست. در برنامه چهارم با تأکید بر موضوعاتی همچون حقوق شهروندی، آزادی و تکثر در جامعه ایرانی و جهانی و همراهی با قوانین و اسناد بین‌المللی که سختی با فرهنگ ایرانی - اسلامی هم ندارد دنبال می‌شد، اما در برنامه پنجم سعی شده با تکیه بر استقلال فرهنگی، اسنادی بر پایه معیارهای دینی و ملی تدوین شود و به ارزش‌های مذهبی و بومی تصریح گردد که این رویکرد متفاوت از جهت برنامه چهارم توسعه است [۲۹].

۳-۶. برنامه ششم توسعه

در جریان تدوین برنامه ششم توسعه، دولت وقت، لایحه‌ای مختصر و اجمالی که صرفاً شامل محورهایی کلی بود را تدوین کرد. سپس نمایندگان مجلس شورای اسلامی اصلاحات گسترده‌ای بر لایحه دولت اعمال و موارد زیادی را نیز به آن الحاق کردند. از این رو به سختی می‌توان رویکرد واحد و مشخصی را در این برنامه پیگیری کرد، به نحوی که در برنامه ششم توسعه مجموعه‌ای از برنامه‌ها که هر کدام رویکردی متفاوت از یکدیگر دارند را می‌توان ملاحظه کرد.

از طرفی در این برنامه، به سیاق برنامه چهارم و قبل از آن رجوع شده و «اقتصاد کلان» مجدد در آغاز برنامه قرار گرفته که نشان از اولویت مسائل اقتصادی نسبت به مسائل دیگر از منظر سیاست‌گذاران دارد. در این برنامه، در حوزه اقتصاد همچنان موضوعاتی مانند تعامل با اقتصاد جهانی، محیط کسب و کار، خصوصی‌سازی، مناطق آزاد و کوچک‌سازی دولت، محورهای اصلی برنامه بوده و نیز کاهش مقررات در حوزه فرهنگ و واگذاری فرهنگ به بخش غیردولتی را می‌توان در راستای سیاست‌های برنامه چهارم و رویکرد خصوصی‌سازی در حوزه فرهنگ که بیشتر جنبه‌های مادی سبک زندگی را هدف قرار داده بودند، دید [۳۶].

از طرفی دیگر به رغم اینکه واژه سبک زندگی تا قبل از برنامه ششم، در هیچ یک از برنامه‌های توسعه به کار نرفته، تنها در این برنامه به صورت صریح دو بار لفظ سبک زندگی ایرانی اسلامی درج شده است. یا در حوزه فرهنگ و هنر، به سیاست‌هایی اشاره شده است که می‌توان آنها را امتداد برنامه پنجم توسعه دانست. برنامه‌هایی که با اتکا به ظرفیت داخلی و براساس ارزش‌های ایرانی - اسلامی تدوین شده است و تقویت سبک زندگی ایرانی - اسلامی را دنبال می‌کند. از جمله این محورهای توان به «ارتقا، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی»، «بسترسازی فرهنگی و دستیابی به سیاست ابلاغی برنامه و اهداف سند چشم‌انداز نظام و اجرای سند مهندسی فرهنگی مبنی بر تحقق توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی و متکی بر حفظ و ارتقای ارزش‌های اسلامی انقلابی و ملی» و «مردم‌سالاری دینی»، «اصول و فضایل اخلاقی و کرامت و حقوق انسانی»، «حریت و انسجام ملی و ایفای نقش کارآمد، اثربخش و متعالی نهادها و تشکل‌های مردمی در این عرصه» و همچنین «حمایت از تولیدات و محصولات فرهنگی مذهبی و هنری فاخر، صنایع دستی و میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و تقویت ظرفیت آن در تعاملات بین‌المللی»، «ارتقای جایگاه و منزلت سرمایه انسانی در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی و اصحاب فرهنگ، نخبگان و پیش‌کسوتان فرهنگ و هنر کشور و نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی» و نیز «احیای موقوفات و پاسداشت منزلت امامزادگان و تقویت و توسعه نهادهای فرهنگی - مذهبی» اشاره کرد. در مجموع، در این برنامه، با اینکه بار از واژه سبک زندگی استفاده شده است، اما محور عملیاتی خاصی در حوزه سبک زندگی برجسته نشده و ترویج مجموعه ارزش‌های سابق همچنان در این برنامه تکرار شده است [۲۹].

در این برنامه همچنین شاهد مواردی هستیم که به منظور رفع تبعات سیاست‌های گذشته در شیوه زندگی مردم تدوین شده‌اند. از جمله اینها

می‌توان به برنامه‌های حوزه خانواده، اشاره کرد. در این برنامه حمایت از خانواده، ازدواج، فرزندآوری و افزایش جمعیت بر خلاف برنامه‌های اول و دوم توسعه، که کاهش مولید را در دستور خود قرار داده بودند، مدنظر قرار گرفته است.

علاوه بر اینها، موضوع دیگری که در زمان تدوین این برنامه‌ها باید بررسی شود، آثار و تبعات سیاست‌ها و برنامه‌های ادوار گذشته است. برای نمونه می‌توان به ساخت مجتمع‌های مسکونی، اداری، تجاری بزرگ در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ اشاره کرد. سیاستی که از دهه ۹۰ هجری شمسی اتخاذ شد و خودش را در قالب شهرک‌های میلیاردری مانند باستی هیلز یا انواع مراکز خرید بزرگ،^۱ ویلاها، تفریحات و صفحات مجازی تجملاتی (لاکچری) بر بستر اینستاگرام نشان داد. تصمیماتی که عواقب آن در بدو امر هم بر کسی پوشیده نبود، اما چرخه اقتصادی پیرامون طرح‌های کلان مانع بیان تبعاتی که بر سبک زندگی عموم مردم دارد، شد. برای نمونه بدیهی است مراکز خرید تجملاتی (لاکچری) و زنجیره‌ای بزرگ که با دعوت از ویژنده‌های (برند) خارجی یا بانوبه کالا و خدمات شکل می‌گیرند، علاوه بر اینکه باعث از بین رفتن کسب و کارهای خرد محله‌ای و منطقه‌ای و از بین رفتن روابط اقتصادی محله‌محور می‌شود، بلکه این مراکز به مرور، پایگاهی برای حضور، تبلیغ و ترویج آخرین مدل‌های خارجی می‌شود؛ که ضمن شکل‌گیری بازاری برای محصولات خارجی، به خودی خود به رفتار و پوشش و نحوه حضور مردم در جامعه صورت می‌دهد که لزوماً با معیارهایی که در سبک زندگی ایرانی-اسلامی بیان می‌شود، سنخیت ندارد. در این گونه موارد بیش از آنکه تهیه پیوست فرهنگی ضرورت داشته باشد، شناسایی چرخه اقتصادی و سیاسی پیرامون این طرح‌ها موضوعیت پیدا می‌کند. زیرا وجود این چرخه که به دلیل ضعف بخش خصوصی در بین گروه‌های مردمی و غیردولتی شکل گرفته، به نحوی قدرتمند شده‌اند که توان پیشبرد طرح‌های کلان در حوزه‌های مختلف بدون در نظر گرفتن آثار فرهنگی آن را پیدا کرده‌اند و صرفاً بهره اقتصادی موجود در این طرح‌های کلان را لحاظ می‌کنند.

۷-۳. برنامه هفتم توسعه^۲

برنامه هفتم توسعه به دلیل اینکه در آستانه تصویب نهایی قرار دارد و هنوز به مرحله اجرا نرسیده است، نمی‌تواند محل ارزیابی و تحلیل جامع در خصوص تبعات یا آثار مثبت احتمالی سیاست‌های اتخاذ شده باشد، اما با وجود این، در لایحه‌ای که توسط دولت تقدیم مجلس شد، به صورت مشخص در چند مورد به موضوع سبک زندگی پرداخته شده بود. برای مثال در صدر ماده (۷۵)، ضمن اشاره به جهت کلی با عنوان «اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی»، در بند «الف» ماده مذکور به موضوع اصلاح ساختار حوزه فرهنگ پرداخته و در بند «ب» آن، وزارت فرهنگ و ارشاد را مکلف به احصای دقیق و بر خط (آنلاین) داده‌های آماری مورد نیاز به جهت تسهیل پردازش، تحلیل دقیق و ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی روندهای سبک زندگی جامعه ایرانی، شناخت تحولات فرهنگی-ارتباطی از طریق راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای کرده است. یا در ماده (۷۶) سازمان صداوسیما را در راستای مواجهه مؤثر با جنگ ترکیبی دشمنان انقلاب اسلامی با تأکید بر تحکیم سبک زندگی اسلامی-ایرانی، مکلف به حمایت از تولید محتوا در حوزه فضای مجازی با رویکرد گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان کرده است.

بعد از بررسی‌هایی که در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت و تغییراتی که در این فصل اتفاق افتاد، سعی شده تا محوریت برنامه‌های فصل فرهنگ و هنر ناظر به ایجاد زیرساخت‌هایی به منظور افزایش تولید محصولات فرهنگی شود. محصولاتی که همراه با رونق صنایع خلاق می‌توانند اثر گذار باشند و به دست مخاطبان خصوصاً کودکان و نوجوان برسد. از این منظر، توجه به موضوع صنایع خلاق به منظور افزایش تولیدات بومی و مؤثر بر سبک زندگی، در مصوبه مجلس قابل احصا و پیگیری است. علاوه بر این موضوعات در مواد الحاقی مصوبه مجلس، حمایت از مردمی‌سازی فرهنگ و جریان‌های حلقه‌های میانی در حوزه سبک زندگی و همچنین مطالعه زیرساخت‌های اقلیم‌های فرهنگی، به منظور تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی در دستور کار قرار گرفته است.

رویکرد مصوبه نهایی برنامه هفتم توسعه در مجلس، با وجود تمام خلأها و محدودیت‌ها، موضوع رشد و رونق صنایع خلاق را در چند مورد (نظیر توجه به تولید پویانمایی) به عنوان مرکز تولید محصولات فرهنگی مورد توجه قرار داده تا ضمن تحقق اولویت برنامه هفتم با عنوان پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت، بتواند در حوزه فرهنگ نیز اثر گذاری بیشتری داشته باشد.

اما در مجموع برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (۱۴۰۷-۱۴۰۳) نیز در مواد متعددی به موضوع سبک زندگی پرداخته است. تفاوت برنامه هفتم با سایر برنامه‌ها در حوزه سبک زندگی، این است که تلاش شده، به طور ضمنی بر تولید محصولات فرهنگی، کنترل و اصلاح آنها به عنوان

1. MALL

۲. این بخش بر اساس متن نهایی مصوبه مجلس شورای اسلامی «لایحه برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱ از سالی به شورای نگهبان تدوین شده است.



شاخصی مؤثر در سبک زندگی تأکید کند. با وجود این در مواردی هم، صرفاً به کلیت سبک زندگی به عنوان موضوعی مورد قبول و موجه اشاره شده است. برای مثال در ردیف اول از سنجش عملکردی جدول شماره (۱۶) ماده (۷۴) به منظور ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه به «تولید فیلم سینمایی فاخر و ارزشمند در موضوعات تاریخی دفاع مقدس، جبهه مقاومت و سبک زندگی ایرانی اسلامی» اشاره شده یا همچون برنامه‌های قبلی، سازمان صداوسیما مکلف به اقدامی کلی با عنوان تولید برنامه با موضوعات سبک زندگی ایرانی - اسلامی شده است [۳۷].

رویکرد مذکور را می‌توان در راستای شعار سال مبنی بر رشد تولید و رویکرد کلی دولت در حوزه اقتصاد مبنی بر رونق تولید از طریق تسهیل فرایندهای صدور مجوز و احداث و راه‌اندازی کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی تحلیل کرد. به بیان دیگر امتداد طرح تولید دولت در حوزه اقتصاد را نیز می‌توان در حوزه اقتصاد فرهنگ با تأکید بر صنایع خلاق جستجو کرد، به نحوی که در حوزه فرهنگ نیز با جلب مشارکت‌های مردمی و تقویت گروه‌های غیردولتی، تصمیم افزایش میزان تولید محصولات فرهنگی گرفته شده است.

۸-۳. جمع‌بندی موضوع سبک زندگی در برنامه‌های توسعه

بررسی برنامه‌های توسعه با رویکردی کلان‌نگر نسبت به موضوع فرهنگ به‌طور عام و سبک زندگی به‌صورت خاص، حاکی از آن است که تبعات فرهنگی سیاست‌های سایر بخش‌های برنامه‌های توسعه، نه تنها در راستای اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی در حوزه سبک زندگی نبوده، بلکه بعضاً در تناقض جدی با سبک زندگی ایرانی - اسلامی قرار دارند.

برای نمونه می‌توان به رویکرد «خصوصی‌سازی به منظور دریافت سود بیشتر» اشاره کرد که منجر به افزایش مصرف‌گرایی در جامعه شد؛ در صورتی که این رویکرد برخلاف سیاست «اصلاح الگوی مصرف»، «گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی»، «اشاعه فرهنگ صرفه‌جویی و پرهیز از اتلاف و اسراف منابع» و «ارائه الگوهای مصرفی قابل قبول» در حوزه سبک زندگی بود. یا از سوی دیگر وجود عبارت مقابله با تهاجم فرهنگی در برنامه‌ها، نشانگر اهمیت دخالت‌های بیگانه از منظر سیاستگذار بوده که به نظر می‌رسد توجهی به ارتباط این مسئله با مصرف‌گرایی در برنامه‌های توسعه نشده است. زیرا تهاجم فرهنگی بر بستر سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی، مجال بروز یافت و قسمی از تهاجم فرهنگی از طریق سیاست‌های اقتصادی مصرف‌گرا اتفاق افتاد.

بنابراین بررسی برنامه‌های توسعه از این منظر می‌تواند راهگشای ما به منظور ارائه پیشنهادها و سیاستی در این حوزه باشد. با در نظر گرفتن مفهوم ضمنی (و نه صریح) سبک زندگی در برنامه‌های توسعه، موادی ملاحظه می‌شود که به‌طور مستقیم با هدف تأثیرگذاری بر روی سبک زندگی تدوین شده‌اند و دسته‌ای دیگر، علی‌رغم اینکه به‌طور مشخص به موضوع سبک زندگی اشاره‌ای ندارند، اما به‌طور جدی بر سبک زندگی مؤثر بوده‌اند. این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که سیاستگذاران، در راستای ارتقای سبک زندگی مردم جامعه، موارد متعددی را بیان کرده‌اند؛ اما کمتر به تأثیر مواد مصوب مربوط به سیاست‌های بخش‌های دیگر از جمله بخش اقتصادی بر سبک زندگی اندیشیده‌اند. از این منظر باید چنین بررسی‌هایی صورت بگیرد و ادبیاتی با چنین رویکردی تولید شود تا به تدریج الگویی به منظور برنامه‌ریزی فرهنگ‌بنیان^۱ آماده گردد و سیاست‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون با لحاظ آثار فرهنگی آنها تدوین، تصویب و ارزیابی شوند. این موضوع همان هدفی است که قرار بود با پیوست فرهنگی برای سیاست‌های در حال تدوین دنبال شود؛ با این تفاوت که این ارزیابی، از مسیری که در برنامه‌های توسعه تجربه شده و عواقبی که در جامعه به وجود آمده، صحبت می‌کند و بر این اساس قابلیت اتکا و استناد بیشتری دارد.

در برنامه‌های توسعه، فارغ از فصل فرهنگ و هنر که یکی از بخش‌های برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی است، عواقب و تأثیرات سایر بخش‌ها بر حوزه فرهنگ (به‌صورت عام)، اگر بیشتر از اقدامات فصل فرهنگ و هنر نباشد، کمتر نیست، بلکه در موارد بسیاری سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سایر حوزه‌هاست که به فرهنگ شکل می‌دهد و نحوه زندگی مردم را صورت‌بندی می‌کند. بنابراین توجه به سایر بخش‌ها در نگاهی کلان، در حوزه سبک زندگی، بسیار حائز اهمیت است. به بیان دیگر در مطالعه سیاستگذاری فرهنگی و نتایج آن بر سبک زندگی و با توجه به ماهیت اقتصادی برنامه‌های توسعه، مسئله رابطه میدان اقتصاد و میدان فرهنگ، مغفول مانده است [۳۸].

شایان ذکر است که در رویکرد جزئی‌نگر به موضوع سبک زندگی، این موضوع به‌طور صریح بعد از بیانات رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۱ در سیاست‌های کلی ابلاغی، برنامه ششم توسعه و مصوبه مجلس در خصوص برنامه هفتم توسعه درج شده است، اما به‌صورت ضمنی می‌توان ردپای این موضوع را در تمام برنامه‌های توسعه دنبال کرد. در برنامه ششم توسعه، موضوع سبک زندگی به‌صورت کلان و به‌عنوان مسئله‌ای مورد توافق و موجه درج شده و در مصوبه مجلس در خصوص برنامه هفتم توسعه سعی شده ضمن پرهیز از کلی‌گویی، یک قدم به سوی اثرگذاری در بخش تولید محصولات فرهنگی به عنوان عنصری کلیدی در سبک زندگی گام برداشته شود.

۱. این بخش بر اساس متن نهایی مصوبه مجلس شورای اسلامی «لایحه برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱ رسالی به شورای نگهبان تدوین شده است.

۴. جایگاه موضوع سبک زندگی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به دنبال بیانات مقام معظم رهبری، موضوع سبک زندگی تأکید شده و در اسناد و در حوزه‌های گوناگونی که ارتباطی با موضوع سبک زندگی دارند، به آن اشاره شده که در جدول ۲، به تفکیک آمده است.

جدول ۲. اهم محورهای مربوط به موضوع سبک زندگی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

ردیف	تاریخ تصویب	عنوان مصوبه	محورهای مربوط به موضوع سبک زندگی
۱	۹ خردادماه سال ۱۴۰۲	«اساسنامه جایزه ملی و بین‌المللی (گوهرشاد)»	در قسمت تعریف و ماهیت این اساسنامه و در پرداخت موضوع مسجد گوهرشاد، این واقعه را در راستای تهاجم به سبک زندگی مردم ایران قلمداد کرده و به اهداف و مأموریت‌های این جایزه پرداخته است.
۲	۱۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲	«تقویم اصناف، حرفه‌ها و مشاغل (کشور)»	این مصوبه در راستای تأثیر اصناف، حرفه‌ها و مشاغل کشور در سبک زندگی ایرانی اسلامی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی را نسبت به تدوین، پیگیری و ترویج تقویم رویداد محور اصناف، حرفه‌ها و مشاغل کشور موظف نموده است.
۳	۱۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲	«سند ملی دانش بنیان امنیت غذایی»	در راهبرد (۱۲) به اصلاح الگوی مصرف غذا در جهت ارتقای فرهنگ عمومی مبتنی بر سبک زندگی ایرانی- اسلامی اشاره شده است.
۴	۱۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲	«سند توسعه فرهنگ مهدویت و انتظار»	در بخش اهداف، مسائل، سیاست‌های کلان و فعالیت‌های اجرایی به موضوع سبک زندگی پرداخته و از ترویج و گفتمان‌سازی سبک زندگی گرفته تا جلوگیری از غلبه سبک زندگی و نمادهای غربی در آن مورد تأکید قرار گرفته است.
۵	۲۲ فروردین‌ماه سال ۱۴۰۲	«اساسنامه جهانی امام خمینی (ره)»	در اساسنامه جایزه جهانی امام خمینی، ذیل موضوعات و محورهای اعطای جایزه به تبیین و ترویج سبک زندگی دین پایه پرداخته شده است.
۶	۱۱ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱	«تعیین اولویت‌ها و سیاست‌های فرهنگی، علمی، فناوری و نوآوری برنامه هفتم»	ذیل این مصوبه، به مواردی از قبیل بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور و مهندسی فرهنگی با تأکید بر سبک زندگی (با محوریت حمایت و تقویت صنایع فرهنگی و تولید فیلم و سریال‌های فاخر و خدمات محتوای سالم فضای مجازی) و همچنین افزایش سهم و نسبت اعتبارات دستگاهی بخش فرهنگ، گردشگری، ورزش و آموزش و پرورش از کل بودجه عمومی دولت به منظور تحکیم سبک زندگی اسلامی- ایرانی و بهبود شاخص‌های اخلاق و فرهنگ عمومی به‌عنوان موضوعات کلیدی برنامه هفتم اشاره شده است.
۷	۱۰ آبان‌ماه سال ۱۴۰۱	«مبانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی- ایرانی»	این مصوبه مشتمل بر یک مقدمه، ۶ ماده و ۷ بند و یک پیوست تحت عنوان «جدول تقسیم کار ملی دستگاه‌های اصلی و همکار برای تدوین و اجرایی‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی- ایرانی» است که در بین اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، سندی است که به‌صورت تفصیلی به موضوع سبک زندگی پرداخته و در آن تلاش شده، یک گام، موضوع کلی سبک زندگی را جزئی‌تر و عینی‌تر نماید.
۸	۱۷ مهرماه سال ۱۴۰۱	«اهم مسائل و راهبردهای فرهنگی جهت تقویت سلامت و آرامش اجتماعی»	به مسئله غفلت از اولویت و فوریت مسائل فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و سبک زندگی در ارکان حاکمیت اشاره شده است.



ردیف	تاریخ تصویب	عنوان مصوبه	محورهای مربوط به موضوع سبک زندگی
۹	۳ خردادماه سال ۱۴۰۱	«سند تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی»	در بندهای (۲ و ۵) «(۲) اهداف و بند (۴) وظایف به اعتلای فرهنگ عمومی براساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی در راستای تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی و ارتقای جایگاه و نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور با تأکید بر نقش تربیتی خانواده، نهادهای دینی و انقلابی و سبک زندگی اسلامی - ایرانی و همچنین سیاستگذاری در راستای ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان افراد جامعه به‌ویژه نسل جوان اشاره شده است.
۱۰	۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۰	«اساسنامه باشگاه دانش‌پژوهان جوان»	به تقویت سبک زندگی مسئولانه و توسعه سبک زندگی اسلامی و ایرانی تأکید شده است.
۱۱	۲۶ آبان‌ماه سال ۱۴۰۰	«سند ترویج و تسهیل ازدواج دانشجویان»	
۱۲	۲۶ تیرماه سال ۱۳۹۷	«سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم»	در اهداف این سند، به دستیابی الگوی کارآمد کاربرد فناوری‌های نرم با تأکید بر حوزه‌های علوم انسانی، اسلامی و اجتماعی در راستای ارتقای سبک زندگی اسلامی-ایرانی و انقلابی در جامعه اشاره شده است.
۱۳	۲۵ تیرماه سال ۱۳۹۲	مصوبه «سند ملی گیاهان دارویی و طب سنتی»	ذیل اقدامات این مصوبه، به موضوع ترویج سبک زندگی سالم بر مبنای تعالیم اسلامی منطبق بر طب سنتی، پرداخته شده است.
۱۴	۲۵ تیرماه سال ۱۳۹۲	مصوبه «سند دانشگاه اسلامی»	در بخش‌های مختلف این مصوبه به تبیین و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و آسیب‌شناسی آن اشاره شده است.
۱۵	۲۱ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۲	مصوبه «نظام‌نامه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور»	در این مصوبه اشاره شده که پیوست فرهنگی با تکیه بر مبانی، ارزش‌ها و احکام اسلامی و اصول، اهداف و چشم‌انداز نقشه مهندسی فرهنگی از جمله سبک زندگی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و سازمانی تدوین می‌شود.
۱۶	۲ خردادماه سال ۱۳۹۱	مصوبه «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضات راهبردی کشور»	ذیل راهبردها، به تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هرچه کامل‌تر نقش مادری و همسری اشاره شده است.
۱۷	۱۶ اسفندماه سال ۱۴۰۰	بیانیه تحول و بازسازی ساختار و نظام امور قرآنی کشور	در این مصوبه‌ها که با محوریت امور قرآنی در یک‌جا جمع شده، در مجموع، به ارتقا و تحول سبک زندگی، ارائه سبک زندگی قرآنی، الگوسازی سبک زندگی سالم در مسیر حیات طیبه، جهت‌دهی فعالیت‌های تبلیغی ترویجی قرآنی در مسیر تحقق سبک زندگی قرآنی فردی و اجتماعی، تحول اساسی در سبک زندگی فردی و اجتماعی و عمل به آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع) در ابعاد مختلف زندگی و تحقق سبک زندگی قرآنی اشاره شده است.
۱۸	۷ مردادماه سال ۱۳۹۹	سند راهبردی توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی در نظام سلامت	
۱۹	۱۰ تیرماه سال ۱۳۹۶	سند راهبردی توسعه فعالیت‌های تبلیغی ترویجی قرآنی	
۲۰	۱۵ اسفندماه سال ۱۳۹۴	طرح ملی حفظ قرآن کریم	
۲۱	۴ آبان‌ماه سال ۱۳۹۲	اهداف آموزش عمومی قرآن کشور	

مأخذ: مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، در مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی که در قالب بیانیه‌ها، اسناد راهبردی و اساس‌نامه‌ها آمده؛ غالباً به صورت کلی به موضوع سبک زندگی پرداخته و صرفاً به مواردی همچون ترویج، ارتقا و اعتلای فرهنگ عمومی بر محور سبک زندگی ایرانی-اسلامی اشاره شده است و جهت‌گیری مشخص‌تری از آن در بین اسناد مشاهده نمی‌شود. در بین این مصوبات شاید بتوان گفت که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین سندی که در حوزه سبک زندگی به تصویب رسیده، مصوبه «مبانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی» است.

با گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی و تجربه تدوین و اجرای شش برنامه توسعه و تدوین برنامه هفتم، علی‌رغم تمام پیشرفت‌هایی که صورت گرفته و خدماتی که انجام پذیرفته، اما در خصوص برخی از ویژگی‌های مربوط به سبک زندگی، ضعف‌ها و اشکالاتی مشاهده می‌شود. این ضعف‌ها از طرفی هم به دستگاه‌های مسئول برمی‌گردد و از طرف دیگر متوجه مردم است. از بین نهادها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دولت و مجلس شورای اسلامی بیشترین تأثیر را در اسناد سیاستی و برنامه‌های توسعه دارند. مهم‌ترین سند اجرایی نیز، قوانین برنامه توسعه است که به آن پرداخته شد؛ اما به نظر می‌رسد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاستگذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور که مأموریت تصحیح و ارتقای فرهنگ و سازماندهی امور فرهنگی برای حفظ استقلال، تحکیم و تعمیق تدین و فرهنگ دین‌باوری در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی را بر عهده دارد، نقش کلیدی‌تری در این حوزه داشته باشد [۳۹]. به بیان دیگر از ملزومات قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور به تعبیر مقام معظم رهبری، فرماندهی مسائل عمده فرهنگی و سیاستگذاری برای آنهاست. این نکته درست است که قرارگاه مسئولیت اجرای مستقیم امور به معنای اینکه یک واحدی متعلق او باشد را ندارد؛ اما باید واحدها و بخش‌های مرتبط بر اساس رویکردی واحد در راستای سیاست‌های راهنما (هادی) شورا، برای عملیات هماهنگ شوند. همچنین لازم است راهبری نیروها و هدایت آنها بر عهده قرارگاه باشد. با وجود این، ملاحظه می‌شود در خصوص موضوع سبک زندگی به عنوان یکی از مسائل فرهنگی کشور، اگر قرارگاهی به منظور رصد وضعیت موجود تشکیل نشود و صرفاً به تدوین سندی به منظور پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی اکتفا شود، شاهد تبعات جبران‌ناپذیر در این حوزه خواهیم بود. با وجود اینکه سند پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی که توسط شورای عالی به تصویب رسیده، گامی روبه‌جلو در تدوین سند در این حوزه است، اما نباید جایگاه قرارگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً به تدوین این سند تقلیل یابد و لازم است جایگاه قرارگاهی با ارائه نگاهت نهادی یا جدول تقسیم کار ملی شورا در حوزه سبک زندگی تمهید شود. همچنین لازم است برنامه‌های عملیاتی دستگاه‌ها ذیل قوانین بودجه سالیانه در چارچوب قانون تأسیس و یا اساسنامه‌شان، بر اساس راهبردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه سبک زندگی اصلاح و مجدد تدوین شوند.

از طرفی، موضوع دیگری که امکان کاهش اثربخشی مصوبات شورای عالی را فراهم می‌کند، کمبود ضمانت اجرای دقیق و مؤثر برای مصوبات این شورا است. در صورتی که تدبیر و تأکید رهبر کبیر انقلاب (ره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی بر استمرار وجود نهادی که به طور دائم و به صورت مستمر و فعال موضوع فرهنگ و علم را طراحی و برنامه‌ریزی کند، از اهمیت راهبردی این نهاد حکایت دارد و از این رو تصمیمات و مصوبات این شورا لازم‌الاجرا و در حکم قانون است [۳۹]. ضمن اینکه حضور رؤسای قوا در این شورا، خصوصاً رئیس‌جمهور، به منظور ضمانتی برای اجرای مصوبات شورای عالی است. به این معنا که ابزار لازم به منظور احیای جایگاه قرارگاهی شورای عالی در اختیار این شورا قرار دارد. به بیان دیگر حضور رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید ضمانتی برای پیشبرد سیاست‌های راهنما (هادی) اتخاذ شده توسط این شورا باشد؛ بنابراین، در خصوص تقویت ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی لازم است ماهیت سیاستی آن به درستی درک و تمایز آن با قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی شناخته شود. زیرا ضمانت اجرای مصوبات سیاستی و قوانین متفاوت از هم هستند و نه تنها جنس پیگیری قضایی برای اجرای مصوبات سیاستی مطلوب و مؤثر نیست، بلکه لازم است پیش از هر اقدامی، مذاکرات سیاسی، پیگیری و هماهنگی بین سران قوا صورت بگیرد. اساساً حضور رؤسای سه قوه و برخی از وزرای دولت از جمله آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و علوم، تحقیقات و فناوری به منظور پیگیری مصوبات شورای عالی در مجموعه مربوط به خود بوده، همچنین حضور رئیس قوه مقننه نیز باید تمهیدات نظارتی و قانونی مصوبات شورا را از طریق سایر سازوکارهای سیاسی مانند سؤال و استیضاح فراهم آورد. زیرا نظام هنجارهای حقوقی صرفاً محدود به قوانین مجلس نیست و اقسام گوناگونی را شامل می‌شود. یکی از آثار الزام‌آور دانستن مصوبات شورا، این است که مجلس می‌تواند مستند به آن وزیر مربوط یا رئیس‌جمهور (در صورت سکوت و تأیید ضمنی آن) را مورد سؤال یا استیضاح قرار دهد [۴۰]. ضمن



اینکه شورای نگهبان نیز با استناد به اصول پنجاه و هفتم و یکصد و دهم قانون اساسی، عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را دنبال می‌کند. همه این موارد در کنار هم، ظرفیت لازم برای جایگاه قرار گاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی را فراهم کرده و ضرورت جایگاه سیاستی شورا به عنوان جایگاهی که باید سیاسی باشد، تصمیم بگیرد و از آن جایگاه به سایر دستگاه‌های فرهنگی به منظور تغییر و تحول نیرویی وارد نماید، درک شود تا در گام بعد شورا بتواند به عنوان هماهنگ کننده بین قوا و دستگاه‌های اجرایی در میدان فرهنگ نقشی مؤثر ایفا کند.

طبق صورت‌بندی ارائه شده در طرح «نظام قانونگذاری، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات» به شماره ثبت ۵۹۴ به منظور تدوین پیش‌نویس «طرح نظام قانونگذاری» (نحوه اجرای سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری) در بخش اول، سیاست‌راستی که شامل هدف گذاری، تعیین جهت مسیر و چارچوب کلی حرکت کشور است و اصول حاکم بر سازو کارها و ابزارها بوده و در مقام وضع قانون یا مقرر نیست تعریف و به سه قسم تقسیم می‌کند: ۱. سیاست کلی نظام، ۲. سیاست راهنما (هادی)، ۳. سیاست اجرایی. سیاست کلی نظام سیاست‌هایی است که توسط مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و با هم‌بین عنوان در زمینه‌های مختلف، تعیین و ابلاغ می‌شود و مبنای هدف گذاری، برنامه‌ریزی و جهت‌گیری اصلی هر سه قوه و سایر دستگاه‌ها و نهادها خواهد بود و همچنین سیاست اجرایی سیاست‌هایی هستند که در قوای سه‌گانه با عناوینی اعم از «خط‌مشی»، «منشور»، «سند تحول»، «نقشه جامع»، «سند راهبردی» و نظایر آن برای اداره امور کشور در اجرای قوانین با اولویت اجرای قوانین برنامه پیشرفت و در چارچوب قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های هادی و قوانین کشور با رعایت سلسله‌مراتب تعیین می‌شود. جایگاه شوراها، عالی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی دقیقاً در جایگاه تدوین سیاست‌های راهنما (هادی) است. سیاست هادی از سیاست‌های مصوب شوراها، عالی است که به موجب قانون اساسی یا با حکم ولی فقیه، تحت هم‌بین عنوان تشکیل شده یا خواهند شد و در چارچوب شرع، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام و در محدوده صلاحیت‌های مقرر شده در قانون اساسی یا تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری است. سیاست‌های هادی در تقنین و اجرا برای همه نهادها لازم‌الاتباع است [۴۱].

موضوع دیگری که لازم است به آن اشاره شود، عدم احصای جامع حوزه‌های سبک زندگی و بسنده کردن به مفهوم عام سبک زندگی در مصوبات و اسناد است. به بیان دیگر عدم وجود رویکردی واحد و مشخص در تعریف سبک زندگی و ساحات آن، باعث شده که این مفهوم در نزد سیاست‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی به مثابه زینتی برای اسناد و مصوبه‌ها باشند بدون اینکه هدف خاصی را مشخص کنند. بنابراین مشاهده می‌شود مفهوم سبک زندگی به همان کلیتی که در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ابلاغی ذکر شده، در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز آمده و نمی‌توان از کنار هم قرار دادن آنها به نقشه‌ای واحد و جامع دست یافت. این موضوع علاوه بر اقدام جزیره‌ای دستگاه‌ها و هدررفت منابع مالی و نیروی انسانی، باعث شده همه دستگاه‌ها، اقدامات خود را در راستای ارتقای اخلاق عمومی و ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی تلقی کنند، اما در نهایت وضعیت عینی سبک زندگی مردم تناسبی با همه اقدامات و هزینه‌ها نداشته باشد.

با وجود تمام ملاحظاتی که در بالا ذکر شد، مصوبه «مبانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی»، در موقعیت کنونی جامع‌ترین سندی است که به موضوع سبک زندگی پرداخته است. این مصوبه مشتمل بر یک مقدمه، ۶ ماده و ۴۷ بند و یک پیوست تحت عنوان «جدول تقسیم کار ملی دستگاه‌های اصلی و همکار برای تدوین و اجرایی‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» است که در جلسه ۸۷۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. این سند در راستای تحقق دستور مقام معظم رهبری، در بند «۴» پیوست حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر «طراحی و تدوین برنامه‌ای جامع برای ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در کشور و زمینه‌سازی برای اجرایی شدن آن توسط دستگاه‌های مسئول» و پیگیری مطالبه معظم‌له در توصیه هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبنی بر «مقابله با سبک زندگی منحط غربی از طریق جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه» [۲۵] و نیز تحقق اقدام ملی یکم راهبرد کلان پنجم سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور مبنی بر «تدوین و اجرای برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» تدوین شده است [۴۲].

در مقدمه این سند آمده است: سبک زندگی، به عنوان نماد تمدن‌های بشری، در بستر روابط جاری انسان‌ها با وضع موجود خویش، طبیعت، خانواده، افراد و جوامع، فناوری‌ها و مصنوعات بشری، سازو کارهای حکمرانی در فضای حقیقی و مجازی شکل می‌گیرد و با توجه به اقتضائات عصر انتظار، دستیابی به مراتب وضع مطلوب برای نیل به تمدن نوین اسلامی و تحقق وضع آرمانی سبک زندگی در عصر ظهور آخرین حجت خدا، از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران است. سبک زندگی از این لحاظ که در بستر روابط جاری انسان‌ها با

وضع موجود خویش می‌باشد، نزدیک‌ترین مفهوم به فرهنگ است و لذا می‌تواند دست کم نزدیک‌ترین و جامع‌ترین رویکردی باشد که بتوان حوزه گسترده فرهنگ را ذیل این رویکرد صورت‌بندی نمود و براساس آن به نگاه واحدی در این حوزه دست یافت و ایده‌های تحولی در حوزه برنامه و بودجه را مطرح نمود.

در این سند، سبک زندگی را منظومه الگوهای زیستی انتخابی و نسبتاً پایدار، مبتنی بر نظام‌های اعتقادی، علمی، اخلاقی، معنوی و موازین شرعی اسلامی که بر بستر زیست‌بوم ایران، در ساحت‌های چهارگانه روابط با خدا، خود، آفریده‌ها و دنیا و دستاوردهای بشری، در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با ساز و کارهای حکمرانی در دولت اسلامی در مواجهه با سبک‌های زندگی معارض و رقیب تقویت می‌شود، تعریف می‌کند و ذیل آن به مصادیق جزئی‌تر اشاره می‌کند که در جدول ۳، آمده است.

جدول ۳. عرصه‌های سبک زندگی

مصادیق	ساحت
معنویت، مناسک عبادی و شعایر دینی	رابطه با خدا
تحصیل، تربیت اخلاقی و اندیشه‌ورزی	رابطه با خود
تنظیم زمان، فراغت و تفریحات	
مدیریت سلامت و حفظ بدن (بهداشت و ورزش)	
تغذیه	
پوشش، آرایش و مَد	رابطه با انسان‌ها
رفتارهای اقتصادی و الگوی مصرف	
کسب‌وکار و کارآفرینی	
ازدواج، روابط جنسی و روابط خانوادگی	
تعاملات اجتماعی و اخلاق شهروندی	
رفتار سیاسی	رابطه با دنیا و دستاوردهای بشری
محیط زیست و طبیعت	
فناوری‌های نو، فضای مجازی و رسانه‌های جمعی و اجتماعی	
شهرسازی، معماری و طراحی فضاهای زندگی	

مأخذ: مصوبه میانی، اصول و الزامات پیاده‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی به شماره ۳۳۰۵ در جلسه ۸۷۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۰.



موضوع دیگری که این سند را از سایر اسناد متمایز می‌کند، جدول تقسیم کار ملی دستگاه‌های مسئول و همکار برای تدوین و اجرایی‌سازی برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی است. موضعی که غالباً در اسناد و برنامه‌ها از آن غفلت شده و تکلیف دستگاه‌های مسئول در خصوص موضوعات کلی مبهم و نامعلوم است و به همین دلیل در خصوص موضوعات کلی علی‌رغم اینکه دستگاه‌های مختلفی مسئولیت دارند و در آن راستا بودجه اخذ می‌کنند، اما در نهایت نسبت به اشکالات پاسخگو نیستند و مسئولیتی از خود نشان نمی‌دهند. گام رو به جلویی که در این سند برداشته شده، جدول پیوست تقسیم کار دستگاهی است، به نحوی که موضوع وسیع و کلی سبک زندگی را به حیطه‌هایی مشخص و منطبق بر ساحات مختلف سبک زندگی تقسیم و ذیل آن دستگاه مسئول و دستگاه‌های همکار را معین کرده تا تکلیف دستگاه‌ها نسبت به وظایفی که متوجه‌شان است، مشخص باشد.

۵. جمع‌بندی

در برنامه‌های توسعه، فارغ از فصل فرهنگ و هنر که یکی از بخش‌های برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود، عواقب و تأثیرات سایر بخش‌ها بر حوزه فرهنگ (به صورت عام)، اگر بیشتر از اقدامات فصل فرهنگ و هنر نباشد، کمتر نیست، بلکه در موارد بسیاری سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سایر حوزه‌هاست که به فرهنگ شکل می‌دهد و نحوه زندگی مردم را صورت‌بندی می‌کند. بنابراین توجه به سایر بخش‌ها در نگاهی کلان، در حوزه سبک زندگی، بسیار حائز اهمیت است. به بیان دیگر در مطالعه سیاستگذاری فرهنگی و نتایج آن بر سبک زندگی و با توجه به ماهیت اقتصادی برنامه‌های توسعه، مسئله رابطه میدان اقتصاد و میدان فرهنگ، مغفول مانده است.

بررسی برنامه‌های توسعه با رویکردی کلان‌نگر نسبت به موضوع فرهنگ به‌طور عام و سبک زندگی به صورت خاص، حاکی از آن است که تبعات فرهنگی سیاست‌های سایر بخش‌های برنامه‌های توسعه، نه تنها در راستای اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی در حوزه سبک زندگی نبوده، بلکه بعضاً در تناقض جدی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی قرار دارند که سیاستگذار به تبعات واگذاری امور دولتی به بخش خصوصی نحیف و کم‌توان، کم‌توجه بود. برای نمونه می‌توان به رویکرد «خصوصی‌سازی به منظور دریافت سود بیشتر» اشاره کرد که منجر به افزایش مصرف‌گرایی در جامعه شد، در صورتی که این رویکرد برخلاف سیاست «جلوگیری از درآمدهای کاذب و غیرقانونی و بادآورده یا ناشی از امتیازات نابجا»، «جلوگیری از ریختوپاش و اسراف و تبذیر در بودجه‌های عمومی و دستگاه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، بانک‌ها و نهادهای انقلابی»، «اصلاح الگوی مصرف»، «گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی»، «اشاعه فرهنگ صرفه‌جویی و پرهیز از اتلاف و اسراف منابع» و «ارائه الگوهای مصرفی قابل قبول» در حوزه سبک زندگی بود.

از سوی دیگر وجود عبارت مقابله با تهاجم فرهنگی در برنامه‌ها، نشانگر اهمیت دخالت‌های بیگانه از منظر سیاستگذار بوده که به نظر می‌رسد توجهی به ارتباط این مسئله با مصرف‌گرایی در برنامه‌های توسعه نشده است. زیرا تهاجم فرهنگی بر بستر سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی، مجال بروز یافت و قسمی از تهاجم فرهنگی از طریق سیاست‌های اقتصادی مصرف‌گرا اتفاق افتاد.

موضوع دیگری که لازم است به آن اشاره شود، عدم احصای جامع حوزه‌های سبک زندگی و بسنده کردن به مفهوم عام سبک زندگی در مصوبات و سایر اسناد سیاستی است. به بیان دیگر عدم وجود رویکردی واحد و مشخص در تعریف سبک زندگی و ساحات آن، باعث شده که این مفهوم در نزد سیاستگذاران و دستگاه‌های اجرایی به مثابه زینتی برای اسناد و مصوبه‌ها باشد، بدون اینکه هدف خاصی را مشخص کند. بنابراین مشاهده می‌شود مفهوم سبک زندگی به همان کلیتی که در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ابلاغی ذکر شده، در مصوبات نیز آمده و در عمل پیشرفتی به منظور تعیین نقشه راهی برای دستگاه‌های اجرایی و تقسیم کار ملی صورت نگرفته، به نحوی که نمی‌توان از کنار هم قرار دادن آنها به نقشه‌ای واحد به منظور عملیات دست یافت. این موضوع علاوه بر اقدام جزیره‌ای دستگاه‌ها و هدررفت منابع مالی و نیروی انسانی، باعث شده همه دستگاه‌ها اقدامات روزمره خود را در راستای ارتقای اخلاق عمومی و ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی تلقی کنند، اما در نهایت وضعیت عینی سبک زندگی مردم کمتر تناسبی با همه اقدامات و هزینه‌ها داشته باشد.



در این قسمت، با توجه به موضوعات مطروحه از ابتدای گزارش، پیشنهادهایی به منظور پیاده‌سازی مصوبات در حوزه سبک زندگی ارائه می‌شود:

۱-۶. احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به مثابه قرارگاه سبک زندگی

همان‌طور که در متن گزارش هم اشاره شد، به نظر می‌رسد، فارغ از تدوین تمام اسناد و مصوبات، مهم‌ترین تغییری که باید صورت بگیرد، احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به مثابه یک قرارگاه در حوزه مسائل فرهنگ از جمله سبک زندگی است. از طرفی دیگر یکی از آثار ملموس و عینی موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور که مقام معظم رهبری در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در جمع اعضای هیئت دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان فرمودند، تغییر رفتار مردم بر اساس تغییر ذهنیت آنهاست. به بیان دیگر، نتیجه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور به‌طور مستقیم بر سبک زندگی مردم قابل پیگیری است؛ بنابراین احیای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی با محوریت موضوع سبک زندگی پیوند عمیقی با اولویت‌های فرهنگی مطرح شده توسط معظم له دارد و لازم است در این حوزه نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی با احیای جایگاه قرارگاهی خود دست به رصد و هماهنگی دستگاه‌های مسئول بزند و نقش جدی در این حوزه ایفا کند. احیای این جایگاه به معنای ایستادن شورا در نقطه مطلوب سیاستگذاری در نظام حقوقی کشور است. زیرا در این صورت است که می‌تواند رسالت قرارگاهی را عهده‌داری کند. به بیان دیگر اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی، در جای خود بایستد می‌تواند سیاسی باشد، تصمیم بگیرد و از آن جایگاه به سایر دستگاه‌های فرهنگی به منظور تغییر و تحول نیرویی وارد کند. شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید در جایگاه تدوین سیاست‌های راهنما (هادی) قرار بگیرد. این جایگاه نه تنها مداخله در ساختار و تشکیلات سایر قوا و دستگاه‌ها نیست؛ بلکه جهت‌گیری سیاست‌های کلی، همچنین مراحل تحقق آن را برای قوه مقننه و قوه مجریه بیان می‌کند و تقسیم کار ملی دستگاه‌های مسئول و همکار را، ذیل هر سیاست و راهبرد مشخص می‌کند. علاوه بر این موضوع، لازم است رؤسای قوای مجریه، مقننه و قضائیه، ضمن ایجاد وفاق بر روی مسائل اساسی حوزه فرهنگ، مطالبات و خلأهای موجود را در این شورا پیگیری و برطرف کنند.

۲-۶. تقویت ضمانت اجرا از طریق درک جایگاه و ماهیت سیاستی شورا و مصوبات آن

به منظور تقویت ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، با توجه به حضور رؤسای قوا در آن شورا، لازم است ماهیت سیاستی مصوبات شورا به درستی درک و تمایز آن با قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی شناخته شود، چون ضمانت اجرای مصوبات سیاستی و قوانین متفاوت از هم هستند و بیش از هر اقدامی، نیاز است تا مذاکرات سیاسی، پیگیری و هماهنگی بین سران قوا صورت بگیرد. رئیس‌جمهور در نقش رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، لازم است ضمانت اجرای مصوبات این شورا باشد. زیرا یکی از دلایل کم‌اثر بودن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در متن جامعه، الزام کم آنها برای دستگاه‌های اجرایی است. به بیان دیگر، علی‌رغم اشاره به سبک زندگی در اسناد، اساسنامه‌ها و سایر مصوبات، تأثیر چندانی، در اعتلای فرهنگ عمومی جامعه و بهبود خلأهای موجود کمتر ملاحظه می‌شود، البته این به معنای نادیده گرفتن مشخصات برجسته ملت ایران در صحنه‌های متعدد ملی و مذهبی نیست، بلکه ناظر به آسیب‌شناسی این موضوع، روند تغییر و تحولات سبک زندگی در چند دهه اخیر است که در مجموع مشاهدات و آمارها، بیانگر تغییراتی جدی در نحوه زندگی مردم جامعه هستند که این موضوع خودش را در نحوه مصرف، نوع پوشش، نوع تغذیه و الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد. به همین دلیل مقتضی است، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان رئیس‌جمهور به منظور اجرای سند مصوب شورای عالی، به دستگاه‌های اجرایی الزام ایجاد و آنها را مکلف به اجرای آن کند یا به بیان دیگر، رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، خودش ضامن و پیگیر اجرای مصوبات شورای عالی باشد و الا سایر دستگاه‌ها به صرف اینکه سندی در شورای عالی مصوب شده باشد، ممکن است خود را مکلف به اجرای آن ندانند. همچنین حضور رئیس قوه مقننه نیز میبایست تمهیدات نظارتی و قانونی مصوبات شورا را از طریق سایر ساز و کارهای سیاسی مانند سؤال، استیضاح فراهم آورد. شورای عالی با محوریت رئیس‌جمهور، میبایست قرارگاهی در بین سران قوا به منظور پیشبرد اهداف راهبردی مصوب باشد. به این منظور که رئیس‌جمهور در پیگیری تحقق تقسیم کار ملی دستگاه‌های مسئول و همکار اقدام نماید و همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی تمهیدات قانونی متناسب با سیاستهای اتخاذ شده را تدارک ببیند و از ظرفیت نظارتی قوه مقننه به منظور تحقق سیاستهای مصوب شورای عالی استفاده کند.



۳-۶. الزام دستگاه‌ها در ارجاع به مفاد سند جامع در برنامه‌ریزی‌ها

با تدوین سیاست‌های راهنما، می‌توان کلیتی به نام سبک زندگی ایرانی-اسلامی را در بخش‌هایی مشخص دنبال و دستگاه‌ها را ملزم کرد که به‌منظور تحقق سیاست‌های مصوب در شورا اقدام به پیشنهاد احکام برنامه یا اقدامات ذیل بوده‌کنند و از به‌کار بردن صرفاً عنوان کلی سبک زندگی اجتناب کنند. زیرا طبق تجربه، قوانین و اسنادی که تاکنون تدوین شده است، صرف اشاره‌ای کلی به عنوان «سبک زندگی» در اسناد، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی در زندگی روزمره مردم کمتر اتفاق خاص و ویژه‌ای را رقم می‌زند و جریان تغییرات فرهنگی عملاً در خارج از مرزها و بیرون از دایره کنترل حاکمیت رخ خواهد داد و آثار و عواقب به‌مراتب جدی‌تری برای جامعه به بار خواهد آورد. بنابراین، دستگاه‌ها موظفند مشخصاً به‌استناد سند جامع در حوزه سبک زندگی، اعلام کنند که در راستای سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی برنامه‌ریزی و اقدام و دستگاه‌های نظارتی نیز به‌استناد راهبردهای شورا و برنامه عملیاتی دستگاه‌ها، اقدام به ارزیابی دستگاه‌های مربوطه کنند.

منابع و مأخذ



۱. رئوف موسوی، سید ابراهیم، مسئله سبک زندگی. ۱۳۹۹، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲. فاضلی، محمد. مصرف و سبک زندگی. ۱۳۹۹، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
3. Lazer, W., Life Style Concepts and Marketing, in Toward Scientific Marketing. 1963: American Marketing Association,.
۴. مهدوی کنی، محمد سعید. دین و سبک زندگی. ۱۳۸۷، تهران: دانشگاه امام صادق.
۵. حسینی، محمدحسین و محمدسعید ذکایی، ابوتراب طالبی، و علی انتظاری، «مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی»، جامعه پژوهی فرهنگی، ۸، vol. ۱، no. ۱.
۶. ذکایی، محمد سعید. مصرف و سبک زندگی: رویکردها، مسائل و آسیب‌ها. فصلنامه علمی رسانه، ۲۰۱۲، ۲۳(۳).
۷. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۸. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۹. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۷.
۱۰. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در مراسم سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۴.
۱۱. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۶.
۱۲. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۱۳. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹.
۱۴. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۱.
۱۵. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۱.
۱۶. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱.
۱۷. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین» در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱.
۱۸. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱.
۱۹. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۲.
۲۰. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۲۱. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶.
۲۲. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. انتصاب آقای محمد سرفراز به ریاست سازمان صداوسیما.
۲۳. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. (آیت الله) خامنه‌ای، سیدعلی. انتصاب دکتر پیمان جبلی به ریاست سازمان صداوسیما.

۲۵. بیانیه «گام دوم انقلاب».
۲۶. پور کیانی، محمد. بنیان‌های نظری رویکردهای سیاستگذاری فرهنگی، مقدمه‌ای بر تبیین رویکرد جدید هدایت‌گری فرهنگی. چاپ اول. ۱۴۰۱، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۷. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۷۲. ۱۳۷۶، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات: تهران.
۲۸. کریم، محمد حسین، وحید شفاف‌ی شهری و لیلانصری، ارزیابی فرایند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی). سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲۰۱۵. ۳ (شماره ۱۱).
۲۹. توحیدلو، سمیه و علیرضا. ذاکری، سبک زندگی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب: تعارض اقتصاد و فرهنگ؛ شکاف در سیاست. جامعه پژوهی فرهنگی، ۲۰۲۱. ۱۲ (۲): صص ۲۵-۵۳.
۳۰. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴-۱۳۷۸. ۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات: تهران.
۳۱. برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۸۳. ۱۳۷۸، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات: تهران.
۳۲. شهرام نیا، امیر مسعود و مرضیه چلمقانی، سیاستگذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی. پژوهش‌های سیاسی، ۲۰۱۱. ۱ (شماره ۲ (۲ پیاپی)).
۳۳. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴-۱۳۸۸. ۱۳۸۵، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات: تهران.
۳۴. سهرابی، حامد و رضا مستمع، الزامات سیاستی - تقنین تدوین برنامه هفتم توسعه در حوزه فرهنگ (با آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه پیشین). ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲. ۳۰ (۷).
۳۵. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن. ۱۳۹۱، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور: تهران.
۳۶. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۵-۱۳۹۹). ۱۳۹۴، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات: تهران.
۳۷. لایحه برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۹/۱ ارسالی به شورای نگهبان ۱۴۰۲: تهران.
۳۸. ابادری، یوسف. سه دهه هم‌نشینی دین و نئولیبرالیسم. ۱۳۹۷.
۳۹. جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴۰. تعدد مراجع قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲: مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
۴۱. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان مصوبه کارگروه موضوع ماده (۱۴۲) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص بررسی طرح «نظام قانونگذاری، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات» (شماره ثبت: ۵۹۴) پیش‌نویس «طرح نظام قانونگذاری» (نحوه اجرای سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری) (ویرایش دوم). به شماره مسلسل ۱۸۵۳۲.
۴۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور. شورای عالی انقلاب فرهنگی.

گزیده سیاستی

در راستای ارتقای سبک زندگی مردم جامعه، مواد متعددی تصویب شده است؛ اما کمتر به تأثیر مواد مصوب مربوط به سیاست‌های بخش‌های دیگر از جمله بخش اقتصادی و اجتماعی بر سبک زندگی توجه شده است. مقتضی است با تدوین سیاست‌های هادی، کلیتی به نام سبک زندگی ایرانی-اسلامی را در بخش‌هایی مشخص دنبال کرد و دستگهارا ملزم نمود به منظور تحقق سیاست‌های مصوب اقدام به پیشنهاد برنامه‌ها یا اقدامات ذیل بوجه‌کنند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir